



معترضان در کابل: «معاهده ننگین دندغوری خیانت ملی است»



صفحه ۲

شرطی برای نپاشیدن حکومت و وحدت ملی

فروپاشی سیاسی اکنون یکی از عنوان‌های درشت رسانه‌ها و محافل سیاسی افغانستان است. سازمان شفافیت بین‌المللی همراه با دیدبان شفافیت افغانستان اما گفته‌اند بقای نظام مشروط به مبارزه جدی و بی‌درنگ حکومت با فساد اداری است. این دو سازمان با انتشار گزارش ۲۰۰ صفحه‌ای تحت عنوان ارزیابی نظام ملی شفافیت افغانستان در ۲۰۱۵، گفته‌اند که دوام و بقای دولت افغانستان و تأمین صلح در این کشور بستگی به مسایل چون جلوگیری از فساد، محاکمه مفسدان و محدود شدن مداخلات...

افغانستان در لبه‌ی پرتگاه

پریکلس، در سخنی که توسط تاریخ‌نگار یونانی توسیدید جاودانه شد، نزدیک به ۲۵۰۰ سال قبل به آتنی‌ها گفته بود: «من بیشتر از اشتباهات خودمان می‌ترسم تا دشمنانمان». نگرانی‌هایی در رابطه با برنامه‌های جنگی طالبان در سال ۲۰۱۶ و ظهور دولت اسلامی در افغانستان مطرح شده است، اما ناکامی دولت افغانستان از عبرت گرفتن از جنگ‌های طالبان در سال ۲۰۱۵، مسئله‌ای به‌مراتب نگران‌کننده‌تر...



صفحه ۴

به پاکستان چک سفید ندهید

وال استریت ژورنال در ۱۰ ماهه فروری گزارش داد که سناتور باب کورکر، رییس کمیته روابط خارجی سنای امریکا، قصد دارد مانع [تصمیم] حکومت باراک اوباما مبنی بر خریداری نزدیک به هشت هواپیمای F-۱۶ برای پاکستان شود. کورکر، در نامه‌ای...



صفحه ۵

سازمان ملل:

بیشتر از ۳۷ هزار فرد ملکی در «نه سال جنگ افغانستان» کشته و زخمی شده‌اند



صفحه ۳

فعالیت‌های سازنده انکشافی

برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات از آغاز کار بدینسو (۸۸٪) کشور را تحت پوشش قرار داده و تعهد کرده است که تمام کشور را زیرسایه کارهای انکشافی خود بیاورد. این پروگرام مردمی به حیث یک نهاد اساسی باثبات و دموکراتیک اصلاحات اجتماعی را به‌میان آورده است. همچنان تلاش نموده است تا از طریق آماده نمودن وسایل انکشافی معیشت به منظور دسترسی به کنترل منابع قریه‌ها، مطابق به اصول مشارکت، قریه‌ها را آباد نماید.

برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، برای استحکام حاکمیت محلی، کاهش فقر و گرسنگی زمینه را فراهم میسازد و با ایجاد شوراهای انکشافی قریه برای روستاها نوید ترقی و پیشرفت را به ارمغان می‌آورد.

باید یاد آور شد که برنامه همبستگی ملی ظرفیت و قابلیت اعضای مردانه و زنانه شوراهای انکشافی قریه را بلند برده و به آنان توانایی می‌بخشد تا خواست‌ها و ضروریات انکشافی خویش را شناسایی نمایند.

البته شورای انکشافی هر قریه، به مثابه مرجع مطمئن اتحاد، اتفاق و مشوره دهی بوده و وسیله آبادی، ترقی و شگوفایی قریه را نیز فراهم میسازد.

به گونه مثال میتوان از ساحات مربوط ولایت کندهار مثال آورد و با یقین گفت که پدید آمدن اصل فوق در کندهار به‌خوبی احساس میشود. شوراهای انکشافی اینجا به کمک مردم به بازسازی قریه آغاز نموده اند تا روستاییان با هم متحد شوند و برای ترقی و شگوفایی قریه‌های شان یک تعداد پروژه‌های انکشافی را زیر دست بگیرند.

طور نمونه میتوانیم قریه‌های خودزو، کاریزک، عبدالسلام، میان کوه و میر بابا زیارت ولسوالی نیش ولایت کندهار را مثال دهیم. این قریه‌ها با هم متحد شدند و یک شورای انکشافی مشترک را ایجاد نموده اند و شورای یادشده، با درنظرداشت نیازهای اولیه مردم، قریه مذکور را از آب آشامیدنی صحی و سرک مستفید ساخته اند.

از طریق این شورا به تعداد سی حلقه چاه آب آشامیدنی حفر گردیده و بمبه‌های دستی نیز بالای آن نصب شده است، هم چنان یک سرک طولانی احداث گردیده است که قریه‌های مربوطه را به ولسوالی شاه ولی کوت وصل مینماید. با احداث این سرک، مشکلات عمده ۳۲۴۱ خانواده مرفوع گردیده است که در این زمینه، رییس شورای خودزو چنین میگوید:

"زمانیکه اینجا از سوی برنامه همبستگی ملی شورای انکشافی ایجاد نگردیده بود، قریه ما با مشکلات زیادی روبرو بود. نخست اینکه در قریه ما آب صحی آشامیدنی وجود نداشت و زنان و اطفال از مسافه خیلی دور آب می‌آوردند، دیگر اینکه قریه ما از ولسوالی به فاصله دور موقعیت داشت، سرک نداشتیم و زمانیکه کسی بیمار میشد، وی را با قبول مشکلات زیاد به شفاخانه می‌رساندیم. مشکل دیگر ما عدم امنیت مناسب در مسیر سرک بود، مگر خوشبختانه حالا قسمت اعظم مشکلات ما از طریق همین شورا رفع گردیده است. حالا ما در خانه‌های خود آب آشامیدنی صحی داریم، سرک مناسب داریم و به سهولت در قریه‌های دیگر با استفاده از موتور رفت آمد میکنیم که تا حدودی مشکلات مردم ما و به‌ویژه مشکل امنیتی ما نیز از این رهگذر برطرف گردیده است.

اتحاد و اتفاق همین چهار قریه ولسوالی نیش ولایت کندهار که قبلاً نام‌های شان را ذکر کردیم، با یکجا شدن آنان باهم و تشکیل یک شورای مشترک، موجب شد تا تمام مردم در فضای همزیستی، صلح و برادری زندگی نمایند. ضمناً مردم این قریه‌ها فیصله کرده اند تا به معضله بی‌امنی روستاهای شان نقطه پایان بگذارند و به یاری خداوند (ج) امنیت قریه‌های شانرا خود تأمین نمایند."

در واقع این سخن از اعماق دلهای مردم همین چهار قریه برخاسته است که میگویند برنامه همبستگی ملی یک برنامه با برکت بوده و در میان مردم و دولت، مناسبات مستحکم و فضای دوستی و برادری را ایجاد مینماید.

برای همین، مردم این شورای مشترک را در قریه، سمبول وحدت، اتفاق و برادری میدانند و هیچ نوع کمک و همکاری خود را از آن دریغ نمی‌ورزند.



شنبه
۱ حوت
۱۳۹۴
سال پنجم
شماره ۱۰۱۲



یادداشت روز

شرطی برای نپاشیدن حکومت وحدت ملی

✍ جواد ناجی

فروپاشی سیاسی اکنون یکی از عنوان‌های درشت رسانه‌ها و محافل سیاسی افغانستان است. سازمان شفافیت بین‌المللی همراه با دیدبان شفافیت افغانستان اما گفته‌اند بقای نظام مشروط به مبارزه جدی و بی‌درنگ حکومت با فساد اداری است. این دو سازمان با انتشار گزارش ۲۰۰ صفحه‌ای تحت عنوان ارزیابی نظام ملی شفافیت افغانستان در ۲۰۱۵، گفته‌اند که دوام و بقای دولت افغانستان و تأمین صلح در این کشور بستگی به مسائلی چون جلوگیری از فساد، محاکمه مفسدان و محدود شدن مداخلات سیاسی دارد. این گزارش پیشنهاداتی را نیز به منظور مبارزه با فساد و تحکیم حکومت‌داری پایدار ارائه کرده است. سازمان شفافیت بین‌المللی زمانی از سقوط نظام سخن می‌گوید که در اوایل ماه دلو طی گزارشی افغانستان را صدر نشین کشورهای فاسد جهان اعلام کرده بود.

«فروپاشی نظام» چگونه جای «اصلاحات» را گرفت و تبدیل به هشدار شد؟

حکومت وحدت ملی با شعار «اصلاحات» روی کار آمد. مبارزه با فساد، حکومت‌داری خوب و پاسخ‌گو، ایجاد شغل و تأمین امنیت از جمله اموری بودند که سران حکومت تحقق آن را به مردم نوید داده بودند. با گذشت نزدیک به دو سال از عمر این حکومت، نه تنها شعارهای مذکور جامعه عمل نپوشیدند بلکه اکنون و مطابق به گزارش‌های معتبر حکومت در پرتگاه سقوط قرار گرفته است. اما سران حکومت اراده‌ی برای مبارزه با فساد اداری و مالی دارند تا از این طریق بتوانند نظام را از خطر فروپاشی نجات دهند؟

اشرف غنی یک هفته پس از به قدرت رسیدن، فرمان داد تا پرونده‌ی فساد کابل‌بانک بررسی شود، دارایی‌های مردم اخذ و عاملین این فساد بزرگ محاکمه شوند. غنی وعده داده بود که بزرگ‌ترین پرونده‌ی فساد مالی را حل خواهد کرد اما با گذشت زمان نه تنها قضیه کابل‌بانک حل نشد بلکه فساد دیگری به پیمان کابل‌بانک تحت عنوان شهرک هوشمند رقم خورد. به دستور غنی، خلیل الله فیروزی؛ یکی از عاملان اصلی قضیه کابل‌بانک از زندان رها شد و این متهم به ده سال زندان با همکاری مشاور حقوقی غنی، نماینده غنی در حکومت‌داری خوب و با هم‌دستی وزیر شهرسازی یک پرونده‌ی فساد مالی بزرگ را تشکیل دادند.

فساد اداری که امروزه از آن سخن گفته می‌شود، محدود به بده بستان پول نقد نیست، عمل خلاف قانون از دیگر ویژگی‌های فساد اداری است. با شکل‌گیری حکومت وحدت ملی، کمیسیون مستقل اصلاحات اداری که از مراجع اصلی استخدام کارمندان دولت بود، کنار گذاشته شد و صلاحیت‌هایش از بین رفت. با حاشیه رفتن کمیسیون اصلاحات اداری، استخدام ضمن آن که محدود شد بلکه ارگ این وظیفه را بدوش گرفت. با تمرکز شدن صلاحیت و استخدام، شفافیت از میان رفت و تنها کسانی مجال ورود به دولت را یافتند که از نظر سیاسی وابسته به حکومت و از نظر خانوادگی با حاکمان خویشاوند بودند. غنی به جای تقویت و اصلاح کمیسیون مستقل اصلاحات اداری، اداره دیگری برای نماینده خاص در امور حکومت‌داری خوب ایجاد کرد. اداره مربوط به ضیا مسعود بدون آن که قدمی برای حکومت‌داری خوب گذاشته باشد، صرفاً تشکیلی است برای راضی ساختن یکی از چهره‌های سیاسی مربوط به تیم انتخاباتی اشرف غنی.

کمیسیون تدارکات ملی از دیگر مواردی است که دست دیگر ادارات را بسته و تمام صلاحیت‌ها را در ارگ متمرکز ساخته است. پیش از این کمیسیون تدارکات زیر نظر جمعی از مسئولان ادارات بود اما اکنون این کمیسیون زیر نظر مستقیم غنی کار می‌کند. مسئله این است که در صورت تخلف، چه کسی به قضا یا رسیدگی می‌کند؟ کدام مرجع؟ زیرا این کمیسیون زیر نظر غنی است. تنها این موارد نیست بلکه نهادهای مبارزه با فساد نیز صلاحیت‌شان از بین رفت. سارنوالی، وزارت داخله و امنیت ملی هر کدام ریاست‌های زیر نام مبارزه با فساد داشتند اما غنی صلاحیت این نهادها را از بین برد. اداره مبارزه با فساد اداری تشکیلات دارد اما صلاحیت ندارد. در یک سال گذشته این اداره صرفاً داری‌های مقامات حکومتی را ثبت کرده و به غیر از این هیچ پرونده‌ی مربوط به فساد را ثبت و بررسی نکرده است. مثلاً فساد شهرک هوشمند را هیچ یکی از ادارات مبارزه با فساد بررسی نکردند بلکه به جای آن، غنی هیئت جداگانه تعیین کرد.

این گونه شد که هشدارهای احتمالی سقوط جای اصلاحات را گرفت. حکومت وحدت ملی با کنار زدن نهادهای مبارزه با فساد و تمرکز سازی، ابهام‌های زیادی را به وجود آورده است. با توجه به عملکرد حکومت وحدت ملی، به نظر نمی‌رسد مدیران فعلی بتوانند جلو رشد فساد اداری را بگیرند. در صورتی که اوضاع چنین به پیش برود، هشدارهای احتمالی مبنی بر فروپاشی که اکنون به صدا در آمده‌اند، در آینده تبدیل به خطر جدی خواهند شد.

معترضان در کابل:

«معاهده ننگین دندغوری خیانت ملی است»



افغانستان در دسر آفریده‌اند باید به مراجع عدلی و قضایی معرفی شوند.»
معترضان هم‌چنان از نهادهای امنیتی خواستند که مدارک و شواهد لازم علیه کسانی که «در تبتانی با طالبان درصدد تضعیف نظام اند را به نهادهای عدلی و قضایی بسپارند تا آن‌ها مورد بازپرس قانونی قرار بگیرند.»
آنان خواستار وصل برق باشندگان کابل شده و هم‌چنان از حکومت خواستند که پایگاه‌های سیاسی و اجتماعی طالبان را هدف عملیات نظامی قرار دهند.

طالبان با دست بازتر از گذشته عمل می‌کنند.»
در بخشی دیگر این قطع‌نامه آمده است: «آشکارا دیده می‌شود که حلقاتی در نظام به‌صورت سیستماتیک در صدد اشاعه و گسترش تفکر طالبانی و ساحات نفوذ آنان اند. از سویی بی‌تفاوتی سران دولت در برابر معاهده ننگین دندغوری که هیچ تفاوتی با خیانت ملی و وطن‌فروشی نداشت، نمونه‌ی روشنی از تمکین و تضرع رژیم در برابر طالب، حامیان داخلی و خارجی آن‌هاست.»

اطلاعات روز: صدها تن از باشندگان کابل روز جمعه در اعتراض به افزایش ناامنی‌ها در کشور، امضاء تفاهم‌نامه دولت با طالبان در دندغوری، هم‌سویی حلقات مشخص با طالبان، قطع برق کابل و... تظاهرات کردند.
معترضان که بعد از راهپیمایی در چهارراهی مسعود گرد هم آمدند، شعارهای چون: «معاهده دند غوری خیانت ملی!»، «عاملان معاهده دند غوری محاکمه شوند!»، «به حمایت از تروریسم پایان دهید!»، «مرگ بر طالب و حامیان طالب!»، «ارگ ارگ، برق برق و... را سر می‌دادند.

رهبران حکومت خط شان را از خط ترور و دهشت طالبان تفکیک کنند
معترضان هم‌چنان گفتند: ما به‌عنوان شهروندان کشور، «این خیانت آفتابی و روشن را محکوم می‌کنیم». آنان از رهبران حکومت خواستند که به خواست‌های مشروع شان پاسخ بدهند و «خط شان را از خط ترور و دهشت طالبانی تفکیک کنند.»

معترضان در اخیر قطع‌نامه‌ی را خواندند که در بخشی از آن آمده است: «مردم افغانستان از ادامه‌ی هم‌سویی حلقات مشخص با طالب و تفکر طالبانی به ستوه آمده‌اند. تداوم هم‌سویی با طالب و طالب‌پروری در ۱۴ سال حاکمیت حامد کرزی سبب رشد تروریسم و گرفتن قربانی‌های فراوان از مردم ما شد. سیاست‌های برخاسته از دید تباری به مسئله‌ی طالب و تروریست که در حکومت حامدکرزی دنبال شد، جز بدبختی و قربانی شدن مردم افغانستان نبود.»
هم‌چنان در این قطع‌نامه آمده است، انتظار می‌رفت که حکومت وحدت ملی، «سیاست خود در برابر طالبان و جنگ با تروریسم را اصلاح نماید و از تداوم جنگ فرسایشی و طالب‌پروری دوری کند» اما بعد از گذشت بیش از یک و نیم سال عمر حکومت وحدت ملی، سقوط قندوز و امضای معاهده دندغوری معلوم می‌شود که حکومت فعلی بیشتر از حکومت حامد کرزی به این سیاست پرداخته و «آشکارا معلوم شد که در این حکومت حلقات هم‌سو با

معترضان خواستار محاکمه گلاب منگل، وزیر سرحدات، اقوام و قبایل و همراهانش شدند که به گفته‌ی آنان، مرتکب خیانت ملی، نقض قانون اساسی شده، هم‌دستی با عناصر تروریستی و ضد نظام داشته و «معاهده ننگین دندغوری را امضا کرده‌اند.»

گفت‌وگوهای چهارجانبه صلح با شفافیت دنبال شود
هم‌چنان معترضان خواستند که گفت‌وگوهای چهارجانبه صلح دولت افغانستان با گروه طالبان با شفافیت دنبال شود. آنان گفتند: «ما از روند مبهم و بی‌نتیجه گفت‌وگوهای صلح نگرانیم و و روند گفت‌وگو با تروریستانی که جز کشتن مردم ما و خون‌ریزی هدفی ندارند قطع شود.»
در قطع‌نامه‌ی آنان آمده است که مصرف «صدها میلیون دالر در روند ناکام صلح با تروریستان و رهاسازی تروریستان از زندان به بهانه‌ی صلح، تنها به تقویت جبهه تروریستان و حامیان خارجی و داخلی شان انجامید.»

معترضان معترضان آمده است: «وزارت اقوام و قبایل نه جایگاه قانونی دارد و نه منطق اداری. این وزارت تفرقه‌افکن و حامی تمامیت‌خواهی و فتنه‌انگیزی باید منحل شود و آنانی که از نشانی این بنگاه شیطنت برای مردم

دور اول و سوم نشست‌های چهارجانبه صلح میان افغانستان، پاکستان، امریکا و چین در اسلام‌آباد و دور دوم آن در کابل برگزار شد. قرار است به تاریخ ۴ حوت سال جاری چهارمین نشست این گروه در کابل برگزار شود.

انفجار در هرات یک فرمانده پولیس محلی را گرفت

بمب‌گذاری کار این گروه بوده است.
بمب‌گذاری در کنار جاده‌ها، یکی از تاکتیک‌های معمول گروه طالبان است. اخیراً سازمان ملل بمب‌گذاری کنار جاده‌های را یکی از عوامل عمده‌ی تلفات غیرنظامیان دانست.

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت هرات گفته‌اند که یک فرمانده محلی پولیس در این ولایت بر اثر انفجار بمب کنارجاده‌ای کشته شده است.
عبدالرئوف احمدی، سخن‌گوی پولیس هرات گفته است که فرمانده پولیس ولسوالی ادرسکن سرگرم گشت‌زنی بود که

موتر حاملش با بمب کار گذاشته در کنار جاده برخورد کرد. آقای احمدی افزوده که این فرمانده با شماری از محافظانش در این انفجار زخمی شد و سپس در شفاخانه جان داد.
به گفته‌ی احمدی، هنوز مشخص نیست که این بمب‌گذاری کار کدام گروه‌ی بوده، اما منابع طالبان گفته‌اند که این

نیروهای هوایی در ماه آینده

از هواپیمای بی‌سرنشین استفاده خواهند کرد

تأکید می‌کند.
دولت وزیری، سخن‌گوی وزارت دفاع گفته است: «بیشتر عملیات‌های ما که ناوقت‌تر می‌شوند به همین دلیل است که به افراد ملکی ضرر نرسد و ما در این بخش بسیار تلاش می‌کنیم که عملیات‌های دقیق‌تر داشته باشیم و در گذشته هم همیشه در این موضوع دقت کرده‌ایم.»
نیروهای امنیتی افغانستان در میدان‌های جنگ در نبود امکانات پیشرفته و حمایت اندک هوایی با مشکلاتی مواجه‌اند. در سال جاری امریکا چهار جت جنگی نوع A۲۹ و هند سه فروند چرخ‌بال Mi۲۵ به نیروهای امنیتی کشور تحویل داد. سقوط شهر قندوز به‌دست طالبان، باعث شد تا توجه روی وضعیت نیروهای هوایی کشور بیشتر شود.

به گزارش طلوع نیوز، محمد نذیر احمدزی، معاون دوم مجلس نمایندگان که چندی پیش به ایالات متحده امریکا سفر کرده بود، گفته است که در این سفر از پایگاه نیروهای هوایی امریکا در ایالت ویرجینیا دیدار کرده و نیروهای هوایی افغانستان که در آن‌جا آموزش می‌بینند، قادر به کارگیری از انواع هواپیماها هستند.
آقای احمدزی افزوده: «استفاده از طیاره‌های بی‌سرنشین برای اردوی ما بسیار مهم است و ما می‌توانیم که به سرعت مناطق و کاروان‌های مخالفان را پیدا کنیم و آن‌ها را از بین ببریم.»
در همین حال وزارت دفاع کشور از تلاش‌ها برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان در حمله‌های هوایی نیروهای ارتش

اطلاعات روز: مأموریت حمایت قاطع ناتو در افغانستان اعلام کرده است که نیروهای هوایی افغانستان به زودی از نخستین هواپیمای بی‌سرنشین استفاده خواهند کرد.
نیروهای ناتو زیر نام مأموریت حمایت قاطع نیروهای امنیتی افغانستان را آموزش و مشاوره می‌دهند. این مأموریت افزوده است که سر از ماه آینده میلادی نیروهای هوایی افغانستان از این هواپیما در مأموریت‌های کشفی شان در شمال و جنوب کشور استفاده خواهند شد.
این نوع هواپیماهای بی‌سرنشین حدود ۱۰۰ هزار دالر امریکایی ارزش دارند و قادر اند بدون موجودیت میدان‌های هوایی پرواز کنند. این هواپیماها حدود ۴ هزار و ۶۰۰ متر ارتفاع می‌گیرند.

درخواست کمک از نیروهای آلمانی

برای دفاع از تهاجم بهاری طالبان در قندوز

باشند تا نشود که از اثر بی‌توجهی افغانستان به مرکز تروریسم شود.
آقای سالنگی در مورد حمایت هوایی نیروهای آلمانی گفت که در این نشست روی بمباری هوایی گفت‌وگو صورت نگرفت.
ولایت قندوز در شمال کشور در ماه میزان سال جاری به‌دست طالبان سقوط کرد. گسترش ناامنی و احتمال تشدید حملات طالبان در بهار سال آینده، نگرانی‌هایی را به بار آورده است که ممکن این گروه دوباره بر قندوز حمله کنند.

که همانند سال‌های گذشته نیروهای امنیتی افغانستان را در راستای مبارزه با تروریسم حمایت کنند.
آقای سالنگی افزوده که در این نشست میان مقام‌های افغانستان و مقام‌های نیروهای ارتش آلمان روی مسایل امنیتی، آموزش و حمایت قاطع از نیروهای امنیتی افغانستان گفت‌وگو صورت گرفت. اما آقای سالنگی مشخصاً نگفته است که از نیروهای آلمانی برای دفاع از حملات بهاری طالبان در قندوز درخواست همکاری شده است یا نه.
او تأکید کرده است که آلمان، امریکا و دنیا باید به شکل بسیار جدی در امر مبارزه با تروریسم در افغانستان سهم

اطلاعات روز: خبرگزاری آلمانی «دی پی ای» گزارش داده است که حکومت افغانستان از نیروهای ارتش آلمان خواستار کمک در دفاع از تهاجم بهاری طالبان در ولایت قندز شده است.
رهبری نیروهای ارتش آلمان در کشور تأیید کرده است که روز چهارشنبه نشستی با اشتراک سربازان آلمانی و مسئولان نیروهای امنیتی افغانستان در قندز برگزار شده بود.
جنرال محمد ایوب سالنگی، معین ارشد امنیتی وزارت داخله در این مورد به دویچه وله گفته است که افغانستان نه تنها از آلمان بلکه از کشورهای دیگر خارجی نیز می‌خواهد

خبرنگار ژورنالیستی

هادی دریابی

از گرگ خواهیم گوسفند نخورد؟

سازمان‌های شفافیت بین‌المللی و دیدبان شفافیت افغانستان مشترکاً اعلام داشته که بقای دولت افغانستان و تامین صلح در کشور، به جلوگیری فوری از فساد، محدودیت دخالت سیاسی و خویش‌خوری و محاکمه مقسدين بستگی دارد. فساد گسترده در ادارات دولتی، از یک‌طرف روی میلیاردها دلار کمک جامعه‌ی جهانی تأثیر منفی گذاشته و از طرف دیگر، اعتماد مردم به دولت را کاهش داده. با توجه به همین تأثیرات منفی، این دو سازمان به این نتیجه رسیده که دولت افغانستان به ریاست محمد اشرف غنی، باید به‌صورت جدی علیه فساد مبارزه کند. در گزارش این دو سازمان تذکر داده شده که مبارزه علیه فساد دیگر گزینه‌ی مطلوب نه، بلکه یک نیاز استراتژیک است.

پیشنهاد عالی، به‌جا، دقیق، بدون نقض و جانانه است اما؛ به چند مثال زیر توجه کنید.

طالبان سال‌هاست علیه مردم، زندگی و آینده می‌جنگند. ما هم سال‌هاست از طالبان خواهش می‌کنیم که جنگ نکنند. با هزار دلیل اسلامی و غیر اسلامی از طالبان خواستیم که دست از جنگ بردارند، اما این لامصب‌ها عاشق جنگ اند. در این شکی نیست که جنگ تجارت است و طراحان اصلی جنگ طالب با مردم، هیچ اعتقادی به اسلام و مذهب و آخرت ندارند. طالبان به جنگ باور دارند، چه کسی این باور را برای طالبان خلق و نهادینه کرده، معلوم نیست. ما دیدیم و همین‌طور دیده خواهیم رفت که طالبان با خواهش ما، دست از جنگ برنخواهند داشت.

شیر را همه می‌شناسیم. منظوم شیر واقعی است نه آن شیری که کرزی تعریف می‌کرد. شیر برای پر کردن شکمش، دست از شکار برنخواهد داشت، حتا اگر صدها حیوان در فهرست حیوانات رو به انقراض سازمان ملل قرار داشته باشند. برای شیر، مثلاً انقراض آهو مهم نیست، شکمش مهم است که باید پر باشد. به همین خاطر هرچه شیر را بگوییم که شیر عزیز! این آهوان بدبخت را اگر دریده بروی، یک ماه بعد هیچ آهویی در این کشور زنده نخواهد ماند، شیر دست از دریدن آهو برنخواهد داشت.

اصلاً همین معتادان کابل را در نظر بگیرید. شما با هزار دلیل و سند به این قشر تذکر دهید و ثابت کنید که مصرف دخانیات مضر است و زندگی فردی آن‌ها را تباہ می‌کند، برای شان مهم نیست. به شما خواهند گفت که برو برو بچیم! سر ما خوده کاکه نگیر!

می‌توان مثال‌های زیادی را قطار کرد. حالا گزارش و پیشنهاد سازمان‌های شفافیت بین‌المللی و دیدبان شفافیت افغانستان هم دقیقاً شبیه همین مثال‌هاست. این دو سازمان، از کسانی خواهان مبارزه با فساد، خویش‌خوری و تبارگرایی می‌شوند که خود آن‌ها تا خرخره در فساد غرق اند و از خویش‌خوری و تبارگرایی کام می‌گیرند. از بالاترین مقام این دولت که آقای غنی باشد، اگر شروع کنیم؛ او چگونه علیه فساد مبارزه کند و مقسدين را به محاکمه بکشاند وقتی خودش از دل انتخابات پر از تقلب به کرسی ریاست جمهوری رسیده؟

سازمان‌های شفافیت بین‌المللی و دیدبان شفافیت افغانستان چند نکته را برای دولت افغانستان پیشنهاد کرده قرار ذیل:

کمیسیون مستقل خدمات قضایی برای انتخاب، تعیین و آموزش قاضیان و کارمندان بخش قضا؛

انتصاب یک دادستان کل که از او کرده انسان شفاف تا هنوز زاده نشده باشد؛

قانون حمایت از افشاگران مستقل؛

بایگانی کردن آمار و داده‌ها و ایجاد فرهنگ شفافیت؛

ایجاد شاخص روشن برای حرفه‌ای و غیر سیاسی کردن خدمات عمومی تا خدمات بی‌طرفانه در اختیار شهروندان قرار گیرد.

حالا سوال این است که چه کسی این‌ها را انتخاب کند؟ بان کی‌مون بیاید یا به دست دولت افغانستان انتخاب شود؟ مخصوصاً این قانون حمایت از افشاگرانش جالب است. فرض کنید همین لحظه یک نفر از بغلان افشاگری کند که دندغوری را نه گلاب منگل که خود آقای غنی به طالبان واگذار کرد و در این خصوص سندهای محکم هم ارائه کند، بعد فرض کنید که قانون حمایت از او وجود داشته باشد، آیا او مصون خواهد ماند؟ در کشوری که قانون اساسی را دور می‌زنند، رعایت قانون حمایت از افشاگران مستقل چقدر عملی خواهد بود؟ مخصوصاً که ذهنیت اجتماعی هنوز آماده‌ی رعایت قوانین نیست. شاید این سوال مطرح شود که با تمام این‌ها، راه‌حل چیست؟ آیا دست زیر کله گرفته خمار بنشینیم که با مقسدين نمی‌شود علیه فساد مبارزه کرد؟

واقعیت این است که فساد پروژه‌ای بیش نیست. هنوز تا پایان این پروژه زمان باقی مانده، پس کلاهی که سازمان‌های شفافیت بین‌المللی و دیدبان شفافیت افغانستان برای دولت فعلی یافته، مفیدی نخواهد داشت و هیچ اتفاقی علیه فساد نخواهد افتاد ولو که مبارزه با فساد از حد نیاز استراتژیک هم بگذرد و به مذهب دولت‌مردان تبدیل شود. کاری که باید صورت گیرد، روشن‌گری جمعی است. کاری که تا هنوز صورت نگرفته و با موانع بسیاری مواجه است. ما کوریم که یک‌چشم‌ها چپ و راست حکومت می‌کنند، تا بینا نشویم، وضع چنین خواهد بود. زمان می‌خواهد.

سازمان ملل:

بیشتر از 37 هزار فرد ملکی

در «نه سال جنگ افغانستان» کشته و زخمی شده‌اند



نفر آن‌را کودکان تشکیل می‌دهند. این رقم در مقایسه با تلفات زنان بیش از دو برابر می‌باشد. به‌طور مشخص، از سال ۲۰۰۹ به این سو ۳۷۴۶ کودک کشته شده و ۷۹۰۴ کودک دیگر نیز مجروح شده‌اند. این رقم از ۷۳۰ کشته و زخمی در سال ۲۰۰۹ شروع و به ترتیب در سال ۲۰۱۰ به ۱۱۷۷ نفر، در سال ۲۰۱۱ به ۱۳۶۱ نفر، در سال ۲۰۱۲ به ۱۳۱۳ نفر، در سال ۲۰۱۳ به ۱۷۶۴ نفر، در سال ۲۰۱۴ به ۲۴۷۶ و بالاخره در سال ۲۰۱۵ به ۲۸۲۹ نفر رسیده است.

تلفات غیرنظامیان برحسب نوع رویداد

تلفات پر شمار غیرنظامیان در حوادث و رویدادهای گوناگونی صورت گرفته است. یوناما، در گزارش‌های خود این موضوع را تفکیک کرده و فیصدی تلفات غیرنظامیان در هر یک از انواع رویدادها را مشخص کرده است. براساس گزارش‌های یوناما، بیشترین تلفات غیرنظامیان در جنگ‌های زمینی میان گروه‌های درگیر صورت گرفته است. از سال ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۵ میانگین تلفات غیرنظامیان در هر یک از انواع رویدادها به شکل ذیل بوده است. جنگ‌های زمینی-۳۷٪، مواد انفجاری تعبیه شده-۲۱٪، حملات انتحاری و پیچیده-۱۷٪، قتل‌های هدفمند و عمدی-۱۳٪، عملیات‌های هوایی-۳٪، مواد انفجاری باقی مانده از جنگ-۴٪ و ۵٪ دیگر هم در رویدادهای متعدد دیگر از بین رفته‌اند.

تلفات غیرنظامیان برحسب عاملین رویداد

براساس گزارش‌های یوناما، طرف‌های درگیر در جنگ اعم از نیروهای طرفدار دولت و مخالفان دولت، در کشتار غیرنظامیان دخیل می‌باشند. براساس آمارهای موجود عامل عمده‌ی تلفات غیر نظام گروه‌های مخالف مسلح دولت می‌باشند. میانگین آمارها از سال ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۵ نشان می‌دهند که طی این مدت به‌طور متوسط ۶۲٪ مردم توسط نیروهای مخالف مسلح دولت کشته و مجروح شده‌اند. بعد از آن نیروهای طرفدار دولت اعم از نیروهای خارجی، نیروهای امنیتی افغانستان و قوماندانان محلی حامی دولت، باعث کشتار ۱۷٪ دیگر شده‌اند. ۱۷٪ دیگر از مجموع تلفات غیرنظامیان از سال ۲۰۰۹ تا کنون هم در درگیری‌های زمینی میان نیروهای طرفدار دولت و مخالفان مسلح دولت صورت گرفته است. ۴٪ دیگر تلفات غیرنظامیان به «سایرین» نسبت داده شده است.

در سال ۲۰۱۴ رقم قربانیان ملکی یک افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. در این سال حدود ۳۷۰۱ نفر کشته می‌شوند و ۶۸۳۳ نفر زخمی شده‌اند. در سال ۲۰۱۵ نیز این روند صعودی مسیر خود را طی می‌کند و شمار قربانیان با ۳۵۴۵ کشته و ۷۴۵۷ زخمی، به بالاترین حد آن از زمان ثبت آمار تلفات غیرنظامیان توسط یوناما می‌رسد.

تلفات زنان

زنان یکی از قربانیان مهم در جنگ جاری کشور می‌باشند. براساس گزارش‌های یوناما از مجموع قربانیان ملکی از سال ۲۰۰۹ به این سو، ۴۵۵۹ نفر آنان را زنان تشکیل می‌دهند. در این مدت ۱۵۶۶ زن کشته شده و ۲۹۹۱ تن دیگر زخمی شده‌اند. رقم تلفات زنان در طی این مدت روند صعودی را پیموده است. در سال ۲۰۰۹ در مجموع ۲۸۵ زن، کشته و زخمی شدند، در سال ۲۰۱۰ این رقم به ۳۶۹ نفر و به همین ترتیب در سال ۲۰۱۱ به ۴۵۰ نفر، در سال ۲۰۱۲ به ۵۴۸ نفر، در سال ۲۰۱۳ به ۷۵۰ نفر، در سال ۲۰۱۴ به ۹۰۹ نفر و بالاخره در سال ۲۰۱۵ به بیشترین حد آن ۱۲۴۸ نفر افزایش یافته است.

تلفات کودکان

یوناما در گزارش‌های خود ارقام بزرگی را از شمار تلفات کودکان در طی هفت سال گذشته ارائه کرده است. براساس گزارش‌های یوناما در میان قربانیان ملکی از سال ۲۰۰۹ به این سو، ۱۱۶۵۰

اطلاعات روز: نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل (یوناما) از سال ۲۰۰۹ به این سو شمار تلفات غیرنظامیان را به گونه‌ی منظم ثبت کرده و هر سال گزارش آن را منتشر کرده است. در این گزارش، ارقام ارائه شده در گزارش‌های یوناما به شکل موجز و مختصر توصیف شده و ارقام تلفات غیرنظامیان یک بار به‌طور کلی و بعد هر کدام با تفکیک سال‌های آن روایت شده است.

قربانیان

براساس گزارش‌های یوناما، از سال ۲۰۰۹ م الی ختم ۲۰۱۵ م به‌طور مجموعی ۳۷۴۱۳ نفر غیرنظامی در کشور کشته و زخمی شده‌اند. رقم قربانیان از سال ۲۰۰۹ که یوناما ثبت تلفات ملکی را آغاز کرده، همواره یک مسیر صعودی را پیموده است.

در سال ۲۰۰۹ تلفات غیرنظامیان ۵۹۶۸ نفر ثبت شده که از این میان ۲۴۱۲ نفر کشته و ۳۵۵۶ نفر دیگر آن مجروح شده‌اند. در سال ۲۰۱۰، این رقم با ۲۷۹۴ کشته و ۴۷۰۹ زخمی، به ۷۱۶۲ نفر افزایش پیدا می‌کند. در سال ۲۰۱۱ نیز این مسیر صعودی پیموده می‌شود. یوناما در این سال شمار قربانیان را ۳۱۳۳ نفر کشته و ۴۷۰۹ زخمی ثبت می‌کند. در سال ۲۰۱۲، رقم کشته شده‌ها اندکی پایین می‌آید. در این سال ۲۷۶۹ نفر کشته می‌شوند، اما شمار زخمیان آن در مقایسه با سال قبل، با رقم ۴۸۲۱ نفر اندکی بیشتر از سال قبل گزارش شده است.

براساس گزارش‌های یوناما، طرف‌های درگیر در جنگ اعم از نیروهای طرفدار دولت و مخالفان دولت، در کشتار غیرنظامیان دخیل می‌باشند. براساس آمارهای موجود عامل عمده‌ی تلفات غیر نظام گروه‌های مخالف مسلح دولت می‌باشند. میانگین آمارها از سال 2009 الی 2015 نشان می‌دهند که طی این مدت به‌طور متوسط 62% مردم توسط نیروهای مخالف مسلح دولت کشته و مجروح شده‌اند. بعد از آن نیروهای طرفدار دولت اعم از نیروهای خارجی، نیروهای امنیتی افغانستان و قوماندانان محلی حامی دولت، باعث کشتار 17% دیگر شده‌اند. 17% دیگر از مجموع تلفات غیرنظامیان از سال 2009 تا کنون هم در درگیری‌های زمینی میان نیروهای طرفدار دولت و مخالفان مسلح دولت صورت گرفته است. 4% دیگر تلفات غیرنظامیان به «سایرین» نسبت داده شده است.

افغانستان در لبه‌ی پرتگاه

فارین پالیسی / ایوانیس کاسکیناس
ترجمه: معصومه عرفانی
بخش اول

اگر دولت افغانستان از اشتباهات نظامی‌اش در سال ۲۰۱۵ درس نگرفته باشد، این کشور - و نه طالبان - بدترین دشمن خود در سال ۲۰۱۶ خواهد بود.

با این حال، واشنگتن و کابل تاحدی قانع شده‌اند که بردن در میدان جنگ امکان‌پذیر نیست و تنها راه‌حل خروج از این بحران، راه‌حل سیاسی است. اما ای کاش اربابان سیاسی به حرف‌های فرماندهی ارشد ایالات متحده در افغانستان، جنرال جان اف کمپبل، گوش می‌دادند. درنهایت، نیروهای امنیت ملی افغانستان که توسط نیروهای ناتو تقویت شده‌اند، بسیار مجهزتر و آموزش‌دیده‌تر از تعداد جنگ‌جویان طالبان هستند که تعداد آن‌ها به‌میزان قابل‌توجهی اندک‌تر است. دولت افغانستان، با ابزارهایی که در اختیار دارد، باید قادر باشد تا از تبدیل‌شدن این شورش به تهدیدی که کل وجود آن را به خطر می‌اندازد، جلوگیری کند.



فقط به‌سادگی والی را جایگزین کنند. تعدادی از تحلیل‌گران برجسته بر این باورند که رویکرد نامناسب که برای حل چالش‌ها در قندوز وجود دارد، این امر را تضمین می‌کند که چالش‌های امنیتی به‌شکلی جدی در طول فصل جدید جنگ‌ها باقی خواهند ماند. بسیاری از افغان‌ها از این وحشت دارند که شورشیان در سال ۲۰۱۶ کنترل تمام ولایت‌ها را به‌دست بیاورند. چنین حدس‌وگمان‌هایی، با توجه به ناتوانی کابل برای حفاظت کشور در برابر حدود ۲۵۰۰۰ جنگ‌جوی طالبان تقویت می‌شود. این دولت، اگرچه بودجه‌ی کافی برای ۳۵۲۰۰۰ نیروی امنیتی ملی دارد، اما تصمیم بر افزایش تعداد پولیس محلی افغانستان به ۴۵۰۰۰ نفر گرفته است که در کنار آن ۱۳۰۰۰ نیروهای ائتلافی ناتو نیز حضور دارند. ایالات متحده ۳۰۰۰ نیرو را برای حمایت از ماموریت‌های مبارزه با تروریسم در افغانستان نگه داشته است.

بی‌ثباتی در ولایت هلمند نیز به همان اندازه نگران‌کننده است. با توجه به گزارشی که در خبرگزاری «کاردین» منتشر شده است، دولت افغانستان، «تنها ۳ منطقه از ۱۴ منطقه‌ی ولسوالی هلمند، شامل پایتخت آن شهر لشکرگاه» را کنترل می‌کند. یک فرماندهی ارتش افغانستان در ولسوالی سنگین، به بی‌بی‌سی گفته است که طالبان بیشتر منطقه را تحت کنترل خود دارند. جنرال کمپبل، به کمیته‌ی نیروهای مسلح مجلس نمایندگان ایالات متحده گفت که وزارت دفاع ۹۲ افسر را جایگزین کرده است که شامل فرماندهی ارشد در ولایت هلمند نیز بوده است، اما وزارت داخله هنوز در اجرای تغییرات مهم در رهبری، هنوز «عقب‌مانده است». نجات نیروهای امنیتی افغانستان از رهبری بی‌کفایت و تاحدزیادی فاسد، شروع خوبی است، اما اصلاحات نظامی باید با ابتکارات حکومت‌داری خوب و تأکید بر حاکمیت قانون تکمیل شود.

یکی از استادان برجسته‌ی دانشگاه‌های افغانستان که به شرط ناشناس ماندن حاضر به گفت‌وگو شده بود، به من گفت که در فقدان حکومت‌داری خوب و غیاب حاکمیت قانون، مناطق روستایی در سطحی هشداردهنده، شکار شورشیان قرار می‌گیرند. یک تحلیل‌گر و فعال مدنی شناخته‌شده که او هم به‌شرط عدم افشای نامش صحبت می‌کرد، گفت که احتمالاً دولت افغانستان «روی مذاکرات صلح برای دستیابی به ثبات حساب می‌کند»، چرا که در استفاده‌ی درست از توانایی نیروهای امنیت ملی افغانستان شکست خورده است.

ممکن است پاسخ قدرت‌مندان منطقه‌ای که تاکنون نیز ارتباطی اندک با دولت مرکزی داشته‌اند، به فقدان رهبری موثر در کابل و گسترش حملات طالبان، این باشد که بخش‌های بزرگی از شهرها را تحت‌الحماهی خود درآورند. وحشت‌ناک‌ترین سناریو که براساس آن، شورشیان با دستاوردهای ارضی خود در کنار جنگ‌سالاران زمین‌دار، بر تمام ولایت‌ها کنترل خواهند کرد، و دولت افغانستان تنها کابل و چند منطقه‌ی شهری دیگر را در حاکمیت خود خواهد داشت، قابل‌نادیده‌گرفتن نیست. برخی چنین ادعا می‌کنند که این سناریو، در ولایت‌هایی چون ننگرهار، قندوز و بلخ، درحال حاضر نیز اتفاق افتاده است. اکنون که نیروهای اتحاد درحال اعزام به ولایت هلمند هستند، به‌جای حمایت از نیروهای امنیتی متزلزل در ولایت بغلان که تنها یک ساعت از کابل فاصله دارد، به‌نظر می‌رسد که اگرچه کابل در طرح جنگی خود در سال گذشته شکست خورده است، اما هنوز در ادامه‌ی همان مسیر مصمم است.

سرانجام، علی‌رغم شایعات مبنی بر سرکوب احتمالی نظامی، و این افسانه‌ی بی‌اساس که مذاکره با طالبان تنها راه رسیدن به صلح است، تهدید طالبان اگرچه هم‌چنان به قوت خود باقی می‌ماند، اما قابل‌کنترل است. نیروهای امنیت ملی افغانستان، با کمک کافی نیروهای ائتلاف قادر هستند استوار بمانند. با این حال، فراتر از میدان‌های جنگ، دولت وحدت ملی به سوی تهدیدی بسیار بزرگ‌تر پیش می‌رود و ممکن است با بحرانی سیاسی مواجه شود.

قادر باشد تا از تبدیل‌شدن این شورش به تهدیدی که کل وجود آن را به خطر می‌اندازد، جلوگیری کند.

جنرال کمپبل اشاره کرده است که نیروهای ایالات متحده، ممکن است به‌دنبال تأیید «همراهی طیف گسترده‌تری از نیروهای افغان در نزدیکی خط مقدم جبهه و (توسعه‌ی) استفاده از نیروهای هوایی ایالات متحده باشند». جنرال جان دبلیو نیکلسون، قرار است در ماه مارچ جایگزین کمپبل شود، و برای حفظ این رویکرد، باید از نیروهای ویژه و نیروهای هوایی ایالات متحده استفاده کند تا به طالبان اجازه ندهد کنترل مناطق کلیدی را در سال جاری به‌طور کلی به‌دست بیاورند.

برخی از کارشناسان پیشنهاد کرده‌اند که شاید بهتر بود اگر نیروهای ایالات متحده برخی از شدیدترین قوانین را در محدودیت دخالت نیروهای آمریکایی حذف می‌کردند و نیروهای هوایی ایالات متحده را آزاد می‌گذارند. با این حال، این منطق بر فرضی نامشخص مبنی است که افزایش بمب‌افکنی‌ها می‌تواند تأثیر ویران‌گری بر طالبان داشته باشد. متأسفانه این ایده زمانی که سطح نیروهای ائتلاف در سال ۲۰۰۱ به اوج خود رسیده بود تأثیر نداشت و هیچ سندی وجود ندارد که حالا کار کند. به‌ترتیب، با توجه به گفته‌های مقامات ارشد پولیس در ولایت‌های دوردست، که به شرط فاش‌نشدن اسمش صحبت می‌کرد، آنچه بیش از حملات هوایی نیاز است، بالابردن ظرفیت برای تقویت و تجهیز نیروهای امنیت ملی افغانستان که تحت محاصره قرار دارند، و هم‌چنین توانایی تخلیه‌ی سریع مجروحان از میدان است.

علاوه‌براین، در فقدان شبکه‌ای از نیروهای عملیاتی ایالات متحده در منطقه به‌منظور ارائه‌ی اطلاعات دقیق برای هدف‌گیری، به‌احتمال زیاد منجر به تلفات بیشتر غیرنظامیان شده و بحران اعتماد در دولت افغانستان را پیچیده‌تر می‌کند. همان‌گونه که در تازه‌ترین گزارش سازمان ملل متحد آمده است، تلفات غیرنظامیان در سال ۲۰۱۵، به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته بود.

درهرصورت، بسیاری از افغان‌ها بر این باور هستند که مشکلات امنیتی کشور بیشتر مربوط به انتخاب‌های ضعیف دولت افغانستان است تا درخشش طالبان در میدان جنگ. بزرگ‌ترین شکست دولت در سال ۲۰۱۵، در اصل تاحدزیادی سیاسی بود تا نظامی. سقوط شهر قندوز به‌دست طالبان در اواخر ماه سپتامبر ۲۰۱۵، سببی از چنین کمبودهای جدی و بزرگ بود. براساس گزارش‌های خبری متعدد، دولت افغانستان هشدارهایی را نسبت به وخامت اوضاع نادیده گرفته بود و در اقدامی قاطعانه به‌منظور جلوگیری از حملات شورشیان در سراسر این ولایت، ناکام مانده بود. اگرچه نیروهای امنیتی افغانستان با حمایت نیروهای ویژه‌ی ایالات متحده و همراهی نیروهای هوایی موفق شد تا شهر را در حدود دو هفته پس بگیرد، تهدید شورشیان هنوز از بین نرفته است.

با توجه به گزارش‌های اخیر، گروه‌های مختلف شورشی هم‌چنان در اطراف شهر باقی مانده‌اند و بر مناطق مجاور آن تسلط دارند.

دولت وحدت ملی، هنوز هیچ گام اساسی برای جبران مشکلاتی که کمیسیون حقیقت‌یاب مستقل ایجادشده توسط رییس‌جمهور، در اقدامی که به نظر می‌آید تلاشی صادقانه برای رسیدن به عمق مشکل باشد، برنداشته است. یک بررسی از عدم اقدام دولت وحدت ملی که توسط شبکه‌ی تحلیل‌گران افغانستان انجام شده است، برجسته می‌سازد که همان فضای «بدگمانی و تاریک» که پیش از سقوط شهر قندوز در میان سرویس‌های امنیتی محلی وجود داشت، هنوز در دولت محلی فعلی نیز ادامه دارد. این هفته، دولت وحدت ملی اسدالله عمرخیل را به‌عنوان والی جدید قندوز منصوب کرد.

یک مقام سابق افغان، به شرط عدم افشای نامش به من گفت: «عمرخیل مرد خوبی است. او ۷۴ سال دارد، و ممکن است قادر باشد تا بخشی از حمایت‌های محلی طالبان را قطع کند». با این حال، پاسخ‌گویی به کمبودهای امنیتی قندوز، فراتر از این است که

پریکلس، در سخنی که توسط تاریخ‌نگار یونانی توسیدید جاودانه شد، نزدیک به ۲۵۰۰ سال قبل به آتنی‌ها گفته بود: «من بیشتر از اشتباهات خودمان می‌ترسم تا دشمنان‌مان». نگرانی‌هایی در رابطه با برنامه‌های جنگی طالبان در سال ۲۰۱۶ و ظهور دولت اسلامی در افغانستان مطرح شده است، اما ناکامی دولت افغانستان از عبرت‌گرفتن از جنگ‌های طالبان در سال ۲۰۱۵، مسئله‌ای به‌مراتب نگران‌کننده‌تر از برخی استراتژی‌های برجسته‌ی طالبان برای سرنگونی دولت و تصرف قلمرو کشور است.

در ماه دسامبر سال ۲۰۱۵، وزارت دفاع ایالات متحده گزارشی را منتشر کرد که بر مبنای آن، وضعیت امنیتی در افغانستان بدتر شده است. در تاریخ ۹ فبروری، رییس استخبارات ایالات متحده متحده، جیمز کلپر، اظهار داشت، «مبارزه در سال ۲۰۱۶، بسیار شدیدتر از سال ۲۰۱۵ خواهد بود».

افغانستان بالاترین موج بی‌ثباتی را زمانی تجربه کرد که پاکستان در عملیات نظامی‌اش در سال ۲۰۱۵، شبه‌نظامیان را به خاک افغانستان فرستاد. درحالی‌که دولت افغانستان وقت را هدر می‌داد و گفت‌وگوهای صلح با دشمنی را پیگیری می‌کرد که به‌هیچ‌وجه آمادگی نداشت به‌طور جدی وارد مذاکرات شود. طالبان قادر بودند تا پناهگاه‌هایی را در افغانستان ایجاد کنند که این گروه را قادر ساخت حملات خود را در فصل جنگی پیش‌رو تشدید کنند. باوجود دشواری، مهار جاه‌طلبی‌های ارضی طالبان فرایندی قابل‌کنترل است. رهبری طالبان که تاحدی دچار شکاف شده است، خودش نیز با چالش‌های جدی داخلی مواجه است. برای مثال، ملا اختر منصور رهبر بزرگ‌ترین جناح طالبان، درحال جنگ با دیگر گروه‌های رقیب بر سر به‌دست آوردن برتری کامل است. برای تضعیف شورش به‌عنوان یک کل، دولت افغانستان باید گروه‌های انشعابی را برای روند آشتی احتمالی دعوت کند. مبارزان طالبان که از صفوف ملا منصور خارج شده‌اند، مستعد بهره‌برداری هستند و مذاکرات با آن‌ها، حداقل می‌تواند شکاف را در صف‌های طالبان تقویت کند.

هرچند تلاش‌های آشتی در سال گذشته شکست خورد، دولت وحدت ملی در همکاری با ایالات متحده، چین و پاکستان، بار دیگر برای احیای مذاکرات صلح با گروه ملا منصور تلاش می‌کند. گروه همکاری‌های چهار جانبه برای انجام مذاکرات مستقیم میان دولت افغانستان و طالبان در پایان فبروری کار می‌کنند. متأسفانه این احتمال وجود دارد که همانند سال ۲۰۱۵، که کابل و واشنگتن در آموختن درس‌های خود ناکام ماندند، دولت افغانستان زمانی رویکرد ساده‌لوحانه‌اش را به صلح را کنار بگذارد که تلفات غیرنظامیان اوج بگیرد. ارائه‌ی اعتبار و نفوذ سیاسی به طالبان ملا منصور، درحالی‌که آن‌ها به اتحاد با شبکه‌ی حقانی و دیگر گروه‌های ترویستی القاعده ادامه می‌دهند، کاری بسیار خطرناک است. تعامل با عناصر حاشیه‌ای می‌تواند منجر به تضعیف کلی طالبان شود.

رییس‌جمهور اشراف‌غنی، در یک کنفرانس مطبوعاتی در تاریخ ۱۰ اگست ۲۰۱۵، پاکستان را متهم کرد که در مرگ‌بارترین روز افغانستان از زمان حمله به رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۱، مسئول بوده است - اتهامی که با صراحت توسط بسیاری از مقامات دولتی ارشد در روزهای پس آن نیز مطرح شد. غنی گفت: «پاکستان هم‌چنان پایگاهی برای جلساتی است که شورشیان از آن‌جا به ما پیام‌های جنگ می‌فرستند». احتمالاً برای رییس‌جمهور غنی آن قدر طول نمی‌کشد تا با این واقعیت مقابله شود که منافع ملی پاکستان با منافع ملی افغانستان همانند نیستند، و هم‌چنین ملا منصور درحال حاضر علاقه‌ای به صلح ندارد. با این حال، واشنگتن و کابل تاحدی قانع شده‌اند که بردن در میدان جنگ امکان‌پذیر نیست و تنها راه‌حل خروج از این بحران، راه‌حل سیاسی است. اما ای کاش اربابان سیاسی به حرف‌های فرماندهی ارشد ایالات متحده در افغانستان، جنرال جان اف کمپبل، گوش می‌دادند. درنهایت، نیروهای امنیت ملی افغانستان که توسط نیروهای ناتو تقویت شده‌اند، بسیار مجهزتر و آموزش‌دیده‌تر از تعداد جنگ‌جویان طالبان هستند که تعداد آن‌ها به‌میزان قابل‌توجهی اندک‌تر است. دولت افغانستان، با ابزارهایی که در اختیار دارد، باید

به پاکستان چک سشپک ندهید

میلیاردها دالر پول مالیه دهندگان [امریکایی] که در کمک‌های توسعه‌ای به مصرف رسیده است، سرکوب‌گرترین عناصر جامعه پاکستان را سرپا نگهداشته است. پس، حالا زمانش فرا رسیده است که معامله تغییر کند.

منبع: فارین پالیسی / دانیل مارکی

ترجمه: حمید مهدوی



نخست این که واشنگتن باید مواظب باشد که در مورد نفوذ ناشی از کمک‌های امریکا غلو نمی‌کند. واشنگتن این درس را از تجربه طولانی در پاکستان آموخته است. از حمله یازدهم سپتامبر به بعد، باوجود ده‌ها میلیارد دالر کمک، چه در افغانستان، هند یا در مورد مسئله گسترش تسلیحات اتمی، اسلام‌آباد هنوز جهان را از منشور استراتژیکی که ایالات متحده به آن اولویت می‌دهد، نمی‌بیند. از سوی دیگر، تاریخ نیز نشان می‌دهد که تحریم‌های ایالات متحده بر پاکستان در طول دهه ۱۹۹۰، نتوانست جاه طلبی‌های هسته‌ای، تسلط سیاسی ارتش و حمایت دولت پاکستان از گروه‌های تروریستی‌ای چون طالبان و لشکر طیبه را که منطقه را در خشونت فرو برده است، محدود کند. نه کمک‌نویسندگان و نه تحریریه‌ها.

وال استریت ژورنال در ۱۰ ماه فروری گزارش داد که سناتور باب کورکر، رییس کمیته روابط خارجی سنای امریکا، قصد دارد مانع [تصمیم] حکومت باراک اوباما مبنی خریداری نزدیک به هشت هواپیمای F-۱۶ برای پاکستان شود. کورکر، در نامه‌ای به جان کری، وزیر خارجه امریکا، گفت که روابط ایالات متحده با پاکستان «پیچیده و ناقص» است و هرچند همکاری [با پاکستان] «برخی از منافع ما را» تامین کرده است، اما پاکستان «یک شریک دو روی باقی مانده است که در زمینه حل مشکلات منطقه‌ای به‌جای این که رو به جلو حرکت کند، حاشیه روی می‌کند». به‌صورت مشخص، حمایت دایمی پاکستان از جناح حقانی طالبان افغانستان خشم کورکر را برانگیخته بود.

تصمیم کورکر، صرف اقدام یک قانون‌گذار تک‌رو نیست. این تصمیم پیش‌آهنگ ناامیدی گسترده و فزاینده از پاکستان در کانگرس امریکا است. اگر زمان پایان دادن کمک به پاکستان فرا نرسیده باشد، زمان اصلاح کردن آن فرا رسیده است.

در حالی که نتیجه‌گیری‌های کورکر در اصل درست است، اما پوشش «تامین مالی نظامی خارجی» به پاکستان، صرف یک چاره موقت است. تامین مالی نظامی خارجی در هر سال از پنج سال گذشته به‌طور متوسط تقریباً به ۳۰۰ میلیون دالر بالغ شده است. علاوه بر آن، واشنگتن از سال ۲۰۰۱ بدین سو بیش از ۱۳ میلیارد دالر وجوه کمک ائتلاف را بازپرداخت کرده است و بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ حدود ۹ میلیارد دالر به پاکستان کمک اقتصادی کرده است. بعید است این اقدام کورکر سردرگمی و گیجی گسترده در واشنگتن و اسلام‌آباد، در مورد اهداف و انتظارات امریکا از کمک به پاکستان، را حل کند.

دقیقاً به دلایلی که کورکر اشاره می‌کند، از جمله این که کشورها هم‌چنان با این کشور اتمی‌ای که نزدیک به ۲۰۰ میلیون جمعیت دارد، منافع مشترک و واگرا دارند، اصلاح کمک امریکا به پاکستان مستلزم یک رویکرد پیچیده‌تر و جامع‌تر است. واشنگتن در بازبینی کمکش به پاکستان، باید نقاط زیر را به‌خاطر داشته باشد.

نخست این که واشنگتن باید مواظب باشد که در مورد نفوذ ناشی از کمک‌های امریکا غلو نمی‌کند. واشنگتن این درس را از تجربه طولانی در پاکستان آموخته است. از حمله یازدهم سپتامبر به بعد، باوجود ده‌ها میلیارد دالر کمک، چه در افغانستان، هند یا در مورد مسئله گسترش تسلیحات اتمی، اسلام‌آباد هنوز جهان را از منشور استراتژیکی که ایالات متحده به

در برابر قطع کمک به پاکستان نیست، بلکه صرف برای فکر کردن و اقدام هدفمند است. بسیاری از دانشگاهیان و افراد صاحب نظر به درستی به ناکامی‌ها در کمک ایالات متحده به پاکستان اشاره کرده‌اند. نکبت‌بارتر از همه، آن‌ها استدلال می‌کنند که کمک‌های ایالات متحده اغلب بدتر از بی‌اثر بودن است و نتیجه‌ی معکوس دارد. این منتقدان یک دیدگاه دارند: در بسیاری از موارد پول ایالات متحده تعدادی از سرکوب‌گرترین رهبران و نهادهای ضد اصلاحات در جامعه پاکستان، از جمله نخبگان ارتش و فیودال‌های ملکی را سرپا نگهداشته است. بنابراین کلاً بعید نیست استدلال کنیم که تحریم‌های جامع و به موقع (از جمله قطع کمک‌های غیرمستقیم از طریق نهادهای قرضه‌دهی چندجانبه) می‌تواند نهادهای نظامی و ملکی پاکستان را مجبور کند سیاست‌هایی را وضع کنند که منافع امریکا را بهتر تامین می‌کند. در واقع، ایالات متحده حداقل در گذشته به‌صورت موفقانه، هرچند به‌صورت موقتی، پاکستان را مجبور کرده است. تهدید پرویز مشرف، رییس جمهور وقت پاکستان، توسط حکومت جورج دبلیو بوش که گفت «با ما یا علیه ما»، پاکستان را مجبور کرد به‌صورت زودگذر و نابسندۀ علیه القاعده متحد [امریکا] شود؛ اتحادی که چندین تروریست کلان مانند خالد شیخ محمد که در پاکستان زندگی می‌کردند، را به دام بیازندارد. اما به همان اندازه مهم است درک کنیم که تلاش‌های امریکا مبنی بر اعمال زور می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد، تنش‌ها را افزایش بدهد و پاکستان را طوری تضعیف کند که هم از تمایل اسلام‌آباد در پیشرفت‌های برنامه‌های سازنده بکاهد و از هم توانایی آن. بنابراین در صورتی که ایالات متحده واقعاً تمایلی به راه‌اندازی یک جنگ جدی علیه پاکستان ندارد، باید از اقداماتی که خشم اسلام‌آباد را بر می‌انگیزد یا اسلام‌آباد را تضعیف می‌کند، خودداری نماید.

چهارم این که واشنگتن باید در مورد این که انتظار دارد با انواع مشخص کمک به پاکستان واقعاً چه دست‌گیرش شود، بسیار رک و راست‌تر باشد. کمک‌های امریکا، چه به مقاصد نظامی باشد یا به مقاصد ملکی، معمولاً یکی از چند هدف اصلی را دنبال می‌کنند: ظرفیت سازی، تقویت اهرم نفوذ یا خرید دسترسی. در بسیاری از موارد، استدلال برای کمک امریکا به پاکستان، به دلیل مهم بودن اهداف آن، متقاعد کننده نبوده است. طیاره‌های F-۱۶ امریکایی یک مورد آن است. آیا هدف این کمک‌ها تقویت توانایی پاکستان در مبارزه با ستیزه‌جویی در مرز با افغانستان است؟ برای ما زمان بیشتری در دفتر جنرال راحل شریف، رییس ستاد ارتش، می‌خرد؟ یا همان‌طور که کورکر می‌گوید هدف آن تحریک ارتش پاکستان برای حمله بر شبکه حقانی است؟ به هر اندازه‌ای که هدف واضح‌تر و واقع‌بینانه‌تر باشد، به همان اندازه قضاوت کردن در مورد موثریت این کمک‌ها در تامین نتیجه مطلوب با یک هزینه قابل قبول آسان‌تر خواهد بود و به احتمال زیاد حمایت کانگرس را به‌دست خواهد آورد و توضیح دادن آن برای پاکستانی‌ها آسان‌تر خواهد بود.

پنجم و در نهایت این که واشنگتن باید تمام کمک‌ها به پاکستان را براساس میزانی که این اهداف تطابق دارند، در سه بخش دسته‌بندی کند. در دسته اول بخش‌هایی شامل خواهد بود که در آن اهداف امریکایی‌ها و پاکستانی‌ها تقریباً همگرایی کامل دارند اما در جایی که ایالات متحده می‌تواند و جایی که ایالات متحده می‌تواند به این کشور نسبتاً ضعیف، کم‌تر توسعه یافته و فقیرتر کمک‌های مالی، فنی یا کمک‌های دیگر ارائه کند تا از مسئولیت‌های آن بکاهد.

بسیاری از کمک‌های ملکی ایالات متحده به پاکستان، به دلیل این که اصولاً هدف آن بهبود چشم‌انداز اقتصادی این کشور به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به ثبات امنیتی و سیاسی بیشتر در درازمدت است، در این دسته شامل است. کمک‌های نظامی به نبرد پاکستان علیه گروه‌های شورشی داخلی، مانند تحریک طالبان پاکستان، نیز در این دسته شامل خواهد شد، چون واشنگتن نیز این گروه‌ها را تروریست‌های خطرناک می‌داند. کمک‌های ایالات متحده در این دسته باید اصولاً براساس موثریت آن قضاوت شود و اندازه‌ی آن باید تاحدودی براساس نیاز به این کمک‌ها در آوردن یک تغییر معنادار در آینده پاکستان تعیین شود. وظیفه کانگرس نظارت است که آیا قوه مجریه به دقت اثربخشی این کمک‌ها را ارزیابی می‌کند یا خیر، اما با این فرض که پاکستان از آن به‌طور مناسب استفاده خواهد کرد یا خیر، این پول نباید به شرایط قانونی دشوار مقید شود، چون منافع واشنگتن کم‌تر یا زیاده‌تر با آن همگرا است.

در دسته دوم بخش‌هایی شامل خواهد بود که روی نهایت آن توافق می‌شود، نه وسیله‌ها. این‌جا، کمک‌های ایالات متحده برای پیشبرد منافع مشترک فراهم خواهد شد، اما مطابق به اولویت‌های واشنگتن نه اولویت‌های اسلام‌آباد. به‌طور مثال، کمک به آموزش و پرورش می‌تواند به اصلاحات در برنامه درسی مشروط شود یا کمک به مبارزه با ستیزه‌جویی با آموزش‌های تخصصی پیوند داده شود. شرایط این دسته از کمک‌ها را باید کانگرس تعیین کند تا احتمال استفاده آن در زمینه‌هایی که مقام‌های امریکایی تعیین کرده‌اند، بیشتر شود، اما این کمک‌ها باید انعطاف‌پذیری داشته باشد تا نشان بدهد که هدف اصلی واشنگتن همکاری است، نه اعمال زور.

در دسته سوم، مواردی شامل خواهد بود که واشنگتن و اسلام‌آباد برسر آن‌ها اساساً اختلاف نظر دارند، از جمله اختلاف طولانی مدت روی شبکه حقانی و لشکر طیبه. هدف این دسته کمک‌ها به‌صورت واضح اعمال فشار است. این کمک‌ها باید شرایط قانونی محدود شود و باید ساختار آن به‌صورتی باشد که تحویلی پس از برآورده کردن خواست‌های واشنگتن توسط پاکستان صورت بگیرد.

به‌صورت واضح احتمالاً هیچ یک از این تغییرات نمی‌تواند، حد اقل به سرعت، این ناهماهنگی عمیق در قلب روابط ایالات متحده و پاکستان را حل کند. اما نامه‌ی سناتور کورکر شاخص مهمی است که نشان می‌دهد استراتژی کنونی از لحاظ سیاسی ناپایدار است. در حالی که خواست‌های رادیکال‌تر مبنی بر پایان دادن کمک‌های امریکا یا بیش از حد ساده‌انگارانه است یا بیش از حد پرمخاطره. بهتر است تلاش‌های جدی در اصلاح استراتژی کمک‌ها به خرج داده شود.

آن اولویت می‌دهد، نمی‌بیند. از سوی دیگر، تاریخ نیز نشان می‌دهد که تحریم‌های ایالات متحده بر پاکستان در طول دهه ۱۹۹۰، نتوانست جاه طلبی‌های هسته‌ای، تسلط سیاسی ارتش و حمایت دولت پاکستان از گروه‌های تروریستی‌ای چون طالبان و لشکر طیبه را که منطقه را در خشونت فرو برده است، محدود کند. نه کمک‌نویسندگان و نه تحریریه‌ها. دوم این که کمک ایالات متحده هرگز در یک خلا به مصرف نرسیده است؛ تاثیرات سیاسی آن باید در یک چارچوب کلان ارزیابی شود. به‌طور مثال، قانون‌گذاران امریکایی نباید شگفت‌زده شوند که میلیاردها دالر کمک‌های توسعه‌ای در جریان یک دهه‌ی گذشته نتوانست «دل و فکر» پاکستانی‌ها را زمانی به‌دست بیاورد که سرازیر شدن این پول با افزایش گسترده خشونت همزمان بود؛ خشونتی که حداقل عامل بخشی از آن جنگ امریکا در کشور همسایه افغانستان بود.

به عین ترتیب، تهدید سناتور کورکر مبنی بر توقف «تامین مالی نظامی خارجی» تا زمانی که پاکستان علیه شبکه حقانی اقدام نکند، صرف تازه‌ترین مشوره هوشمندانه در داستان طولانی و پیچیده جنگ امریکا در افغانستان و در ارتباط آن، معاملات با پاکستان است. متأسفانه، این داستان پر است از پیام‌های ناهمگونی که از واشنگتن به اسلام‌آباد فرستاده شده است. در حال حاضر، مقام‌های امریکایی از کمک‌ها به‌عنوان وسیله‌ی نفوذ قهری برای وادار کردن پاکستان به جنگ با شبکه حقانی استفاده نمی‌کنند، آن‌ها هم‌چنین خواهان کمک پاکستان در تسهیل «گفت‌وگوهای صلح» با تمام جناح‌های ستیزه‌جویان افغانستان (به شمول شبکه حقانی) هستند. این پیام‌های ناهمگون زمانی فرستاده شدند که پاکستانی‌ها در مورد آینده تعهدات امریکا به حکومت و نیروهای افغانستان عمیقاً تردید داشتند. در چنین شرایطی، قطعاً عوامل متعدد، فراتر از کمک‌های امریکا، بر تصامیم پاکستان در مورد نحوه مدیریت روابط با شبکه حقانی تاثیر خواهد گذاشت.

سوم این که بازی پاکستان برای ایالات متحده یک بازی پرمخاطره است. واشنگتن باید از اقدامات سیاسی پرمخاطره، از جمله تهدید به قطع کمک‌ها، خودداری کند؛ مگر این که از آن انتظار واقع‌بینانه‌ی دستاوردهای کلان داشته باشند. واشنگتن باید درک کند که درست کردن استراتژی کمک که آشکارا شکست خورده است، کاری است که توجه و مهارت می‌خواهد و تعدادی از «راه‌حل‌ها» می‌تواند مشکلات را بدتر کند. این یک بحث کامل

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتهای		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	نشش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	نشش ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

- ❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- ❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- ❖ سردبیر: جواد ناجی
- ❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش
- ❖ گزارشگر: نازنین شفايي، راحله رسيل
- ❖ ویراستار: الیاس نو اندیش
- ❖ صفحه آرا: هادی دریابی
- ❖ بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ❖ ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- ❖ آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- ❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- ❖ مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۶۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲

امریکا: داعش استفاده از کودکان را در جنگ افزایش داده است

توانسته‌اند سن و ملیت کودکان کشته شده را برآورد کنند؛ ۶۰ درصد از کشته شدگان بین ۱۲ تا ۱۶ سال و ۶ درصد هم بین ۸ تا ۱۲ سال سن داشته‌اند. شمار زیادی از کودکان کشته شده عراقی و سوری هستند، دو کشوری که بخش‌های وسیعی از آنها تحت کنترل داعش قرار دارد. تعدادی از کودکان مقتول هم از کشورهای یمن، عربستان، تونس، لیبی و شمار اندکی هم از بریتانیا، فرانسه، الجزایر و نیجریه هستند.

پژوهش‌گران هم‌چنین دریافته‌اند که در سال ۲۰۱۴ میلادی شمار کودکان در عملیات‌ها سه برابر شده است. این اطلاعات را که مرکز مقابله با تروریسم ارتش امریکا منتشر کرده، نشان می‌دهد که در حد فاصل جنوری ۲۰۱۵ تا جنوری ۲۰۱۶ میلادی، ۳۹ درصد پسران در عملیات انتحاری و موترهای بمب‌گذاری شده و ۳۳ درصد در میدان جنگ کشته شده‌اند. هر چند داعش اسامی واقعی و جزئیاتی را درباره کسانی که کشته شده‌اند، ارائه نکرده اما محققان

اطلاعات روز: براساس تازه‌ترین گزارش منتشر شده در امریکا، شمار کودکانی که در جنگ برای گروه داعش جان خود را از دست داده‌اند در سال گذشته تقریباً دو برابر برآوردهای قبلی بوده است. به گزارش بی‌بی‌سی، پژوهش‌گران در دانشگاه جورجیای امریکا برای ارائه این گزارش تبلیغات و سخنرانی‌های داعش را به مدت بیش از سه ماه بررسی کردند. گفته می‌شود در این تبلیغات ادعا شده که ۸۹ پسر بین ۸ تا ۱۸ سال در جنگ کشته شده‌اند.

اتریش: روزانه بیش از ۸۰ درخواست پناهندگی نخواهیم پذیرفت

توماس دمزیبر' وزیر کشور آلمان' روز جمعه در صحن مجلس این کشور حاضر شده و با انتقاد از این تصمیم گفته است: «ما هم چنان تلاش خواهیم کرد که برای بحران پناهجویان راه حلی اروپایی بیابیم. راه حلی که موجب شود تعداد پناهجویان کاهش یابد. وانگهی' برخی کشورهای عضو به‌طور یک جانبه تصمیم گرفتند که بار سنگین این مشکل مشترک را به دوش آلمان بگذارند. این کار غیرقابل قبول است و در دراز مدت عواقبی به همراه خواهد داشت.» پیش از این' برخی مقامات اتحادیه اروپا از جمله کمیسر اتحادیه اروپا در امور مهاجران نیز این تصمیم اتریش را در تضاد با قوانین این اتحادیه دانسته بودند.

از این حسن نیت نشان دهیم. نمی‌توان تمام مهاجران را در اتریش اسکان داد. این کار شدنی نیست.» دولت اتریش با رد انتقادات موجود اعلام کرده است از روز جمعه روزانه فقط به ۳ هزار و دو صد مهاجر اجازه عبور به خاک خود را خواهد داد، و به قبول روزانه فقط ۸۰ درخواست پناهندگی بسنده خواهد کرد. واکنش آلمان به محدودیت‌های تازه اتریش برای پذیرش پناهندگان تصمیم دولت اتریش برای اعمال محدودیت روزانه در پذیرش درخواست پناهندگی پناهندگان واکنش تند آلمان را به همراه داشت.

اطلاعات روز: اتریش برغم انتقاد و مخالفت اتحادیه اروپا مصمم به اعمال محدودیت بیشتر در پذیرش مهاجران و پناهجویان در خاک خود است. به گزارش یورو نیوز، نخست وزیر اتریش در بدو ورود به اجلاس دو روزه سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بروکسل از کشورهای اروپا خواسته است تا با اعمال محدودیت در پذیرش مهاجران از سیاست‌های این کشور تبعیت کنند. ورنر فایمان، در عین حال گفته است: «اگر هر کشوری به نسبت جمعیت خود مهاجر بپذیرد، می‌توانیم تا بیش از ۲ میلیون مهاجر را بین کشورهای اروپا توزیع و تقسیم کنیم.» او افزوده: «ما برای سال جاری تنها ۳۷ هزار و پانصد مهاجر را می‌پذیریم، نمی‌توانیم بیش

حملات امریکا به مواضع داعش در لیبی ده‌ها کشته بر جای گذاشت

قدرت‌گیری داعش در لیبی خواهد شد. به‌نوشته نیویورک تایمز در ماه‌های گذشته نیروهای ویژه امریکا و بریتانیا مأموریت‌های سری شناسایی خود را در لیبی گسترش داده‌اند تا رهبران شبه‌نظامیان تروریست را هویت‌یابی کرده و حملات احتمالی هدفمند را به اجرا در آورند.

سال گذشته در تونس را برعهده داشته، در جریان این حملات کشته شده است. ائتلاف جهانی علیه داعش به رهبری امریکا در آغاز ماه جاری میلادی اعلام کرده بود که در تمام منطقه نبرد با شبه‌نظامیان تروریست را تقویت خواهد کرد. این ائتلاف هم‌چنین گفته بود که مانع از

اطلاعات روز: حملات هوایی ارتش امریکا به یک اردوگاه گروه داعش در صبرانه لیبی نزدیک به ۴۰ کشته بر جای گذاشت. به گزارش رادیو زمانه، وزارت دفاع امریکا این حملات را تأیید کرد و گفته است نورالدین شوشانه، یکی از اعضای رهبری داعش که تونسی است و مسئولیت دو حمله تروریستی

عربستان سعودی

کمک نظامی سه میلیارد دلاری را به لبنان به حال تعلیق در آورد

این اقدام عربستان پس از آن صورت گرفته که وزیر خارجه لبنان از قطع‌نامه‌ای که در پایان نشست وزیران خارجه کشورهای عربی علیه ایران و در حمایت از عربستان صادر شد، حمایت نکرد. تنش بین ایران و عربستان در پی اعدام شیخ نمر، روحانی شیعه و متعاقب آن حمله به اماکن دیپلماتیک عربستان در ایران شدت یافته است.

اختیار ارتش لبنان قرارداد شده. عربستان سعودی در سال ۲۰۱۳ میلادی وعده این کمک نظامی را به ارتش لبنان داده بود و اولین محموله تسلیحات و تجهیزات نظامی فرانسوی در آوریل سال گذشته میلادی وارد لبنان شد. به نقل از این مقام سعودی، هم‌چنین گفته شده که عربستان یک میلیارد دلاری کمک به سرویس امنیتی لبنان را هم لغو کرده است.

اطلاعات روز: عربستان سعودی کمک نظامی سه میلیارد دلاری خود را به لبنان به حال تعلیق درآورده است. به گزارش بی‌بی‌سی، یک مقام سعودی گفته است که این اقدام به‌عنوان بخشی از آن‌چه که ارزیابی مجدد در روابط بین دو کشور نامیده شده، صورت گرفته است. به گزارش خبرگزاری دولتی عربستان، قرار بود با این پول از فرانسه تسلیحات خریداری و در

هشدار رییس یورپول از خطر حملات تروریستی در اروپا

مشخصی وجود ندارد که تروریست‌ها به‌صورت سیستماتیک از موج مهاجرت برای سفر مخفی به اروپا استفاده کنند.» بعد از حملات سازمان‌یافته تروریستی بر یک سالون کنسرت، استدیوم فوتبال، قهوه‌خانه‌ها و میخانه‌ها در پاریس به تاریخ ۱۳ نوامبر سال گذشته میلادی، نیروهای امنیتی در اروپا در حالت آماده باش هستند. حملات پاریس دست کم ۱۳۰ کشته و بیش از ۱۰۰ زخمی به جا گذاشت. کشورهای اروپایی در اوایل امسال «مرکز مبارزه با تروریسم اروپا» را تشکیل دادند تا همکاری‌ها میان سازمان‌های استخباراتی کشورهای عضو و کمک به آن‌ها در مبارزه با تروریسم را افزایش دهند.

است که نه تنها گروه‌های ملیشه‌ای بلکه این احتمال وجود دارد که اشخاص انفرادی نیز چنین حملاتی را انجام دهند. رییس یورپول این اظهارات را اندکی بعد از حمله‌ای در انقره پایتخت ترکیه ابراز داشت که دست کم ۲۸ کشته به جا گذاشت. براساس آمار یورپول، میان سه هزار تا پنج هزار فرد اروپایی بعد از دریافت آموزش در کمپ‌های تروریستی دوباره به این قاره برگشته‌اند. واین رایت گفته است: «شمار رو به افزایش این جنگ‌جویان خارجی چالش جدیدی برای کشورهای اروپایی است.» با وجود این، او افزوده که این حمله‌کنندگان احتمالی در صفوف مهاجرانی نیستند که خود را به اروپا رسانده‌اند: «نشانه‌های

اطلاعات روز: رییس نیروی مشترک پولیس اروپا (یورپول) از حملات جدید گروه داعش در اروپا هشدار داده است. او گفته است که تهدیدات کنونی بزرگ‌ترین تهدید از ۱۰ سال به این سو است. به گزارش دویچه وله، راب واین رایت، رییس یورپول در گفت‌وگویی با روزنامه آلمانی «نویه اوستنبروکر سایتونگ» گفته است که گروه داعش حملات جدیدی را در قاره اروپا برنامه‌ریزی می‌کند. او گفته است: «این پیش‌بینی وجود دارد که «دولت اسلامی» یا دیگر گروه‌های (افراطی) دینی می‌خواهند حملاتی را در جایی در اروپا برنامه‌ریزی کنند، به این هدف که تلفات زیادی بر مردم ملکی وارد کنند.» او افزوده

facebook

بگو مگو از facebook



Amrullah Saleh

قوت نرم چیست؟
ورود لسان پشتو را به بخش ترجمه گوگل خیر مقدم و مبارک باد می‌گوییم. پهلوی دیگر این خبر نشان‌دهنده قوت نرم غرب است. مانند هر لسان دیگر ریشه‌ی پشتو به تکامل بشر و جامعه بشری در تاریخ بر می‌گردد اما قوت نرم غرب، نرم افزار غربی به این لسان و لسان‌های دیگر که وارد گوگل شده‌اند، قوت نو، هویت نو و جغرافیای نو ایجاد می‌کند. گوگل یک اختراع عظیم و بزرگ غربی است و وسیله‌ای است در اختیار امریکا. پس باید اعتراف کرد که هویت دولت‌های امروزی به یقین، بیشتر توسط دانش، ثروت و قوت تعریف می‌گردد و کم‌تر با ارزش‌های دیگر و غیر از این سه تا. فرض کنید فردا گوگل فارسی را از صفحه‌اش حذف کند چه مقدار به این لسان صدمه و تخریش وارد می‌گردد. پس قوت نرم یک تخیل نیست بلکه یک واقعیت جامد و قابل لمس است. (ما هنوزهم در خم یک کوچه‌ایم)



Mahmoud Saikal - محمود صیقل

دو روز می‌شود که کرسی‌های نمایندگان دایمی کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد توسط نمایندگان جوانان از سراسر گیتی اشغال شده است. موضوع بحث را نقش جوانان در تطبیق آجندای ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار تشکیل می‌دهد. طی این گردهمایی بزرگ مسئولین عالی‌رتبه سازمان ملل متحد و نمایندگان سکتور خصوصی و جامعه مدنی با جوانان دیدار و تبادل نظر نمودند. امروز تعدادی از این جوانان به شمول چهار جوان افغان به نمایندگی دایمی افغانستان آمدند و همراه بنده صحبت نمودند. محور صحبت‌های ما را نقش ملل متحد در حل قضایای جهان، تطبیق آجندای ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار افغانستان و تحولات جاری در کشور ما تشکیل می‌داد. با استفاده از فرصت بنده نیز از نظریات و پیشنهادات جوانان مستفید گردیدم.



Ahmad Idrees Rahmani II

محور مشکلات داخلی افغانستان:
عدم توافق نخبگان افغانستان بالای معیار مشروعیت سیاسی.

محور مشکلات بیرونی افغانستان:

عدم حضور ساختار قدرت که بتواند مداخلات بیرونی را مهار سازد. برای از بین بردن مشکلات بیرونی افغانستان به جز به‌وجود آوردن ساختار قدرت مستحکم در داخل کشور راهی دیگری وجود ندارد. اما این ساختار اگر به کمک بیرونی به‌وجود بیاید (هر گروهی که آن را به‌وجود بیاورد) به هیچ‌وجه قدرت کوتاه ساختن دست از بیرون را نخواهد داشت چون سازنده آن از اول جلو آن را خواهد گرفت. حال این کار چه توسط طالبان به کمک پاکستان صورت گیرد، چه توسط نیروهای شمال به کمک روس‌ها و چه هم توسط حامد کرزی به کمک امریکایی‌ها، اصلاً فرق نمی‌کند. راهی بهتر آن ایجاد نظم سیاسی در درون کشور است. اما این نظم سیاسی بدون به‌وجود آمدن معیارهای بنیادی برای مشروعیت سیاسی به‌وجود نخواهد آمد. این معیارها تهداب اساسی ثبات در یک کشور است. باز هم اگر، معیارها توسط کشورهای دیگر به‌وجود بیاید به درد هرکاری بخورد به درد ثبات سیاسی نخواهد خورد چون سازندگان آن از اول کار متوجه نهایت خواهند بود. در کشورهای دیگر این معیارها به‌صورت طبیعی به دو شکل به‌وجود آمده‌اند:
۱. از طریق جنگ‌های خونین که سال‌ها و حتا دهه‌ها ادامه پیدا کرده است.
۲. از طریق بلند رفتن سطح فهم و دانش مردم.
تکامل اجتماعی در مجموع آسان به‌دست نمی‌آید، ولی تکامل سیاسی به‌صورت اخص خونین است.



Asif Ashna

مثلث شیطانی تمامیت خواهی تروریسم و تقلب!
توسل به تقلب چیزی نیست جز اذعان و اعتراف به درماندگی و بیچارگی. چیزی نیست جز اعتراف به شکست داعیه‌ای باطل و منسوخ شده‌ای تمامیت‌خواهی و قبیله‌گرایی بیگانه با مدنیت.

وقتی می‌بینم تروریستان و تمامیت‌خواهان از روی درماندگی در مقابل اراده سیاسی مردم و مقاومت سرفرازانه نیروهای دفاعی، هر دو مجبور به و ناگزیر می‌شود در آخرین تلاش و تقلا به تقلب پناه می‌برند، بیشتر از پیش به فردای بهتر، مدنی‌تر و مبتنی بر اراده سیاسی مردم این کشور باورمند می‌شوم و امیدوار.

همین چند روز پیش تیم لابی تروریستان وحشی دندغوری در کابل با سوی استفاده از آدرس جامعه مدنی، کنفرانس مطبوعاتی راه اندازی کردند و در پی فریب افکار عمومی بر آمدند و مقاومت سرفرازانه سربازان شجاع اردوی ملی را «نسل کشی» عنوان کردند و خواستار توقف عملیات نیروهای دفاعی کشور در بغلان شدند.

لابی‌گران حامی تروریستان مستقر در بغلان در کنفرانس مطبوعاتی که داشتند با سوی استفاده از عکس یک «کودک سوری» دست به رسواترین تقلب زدند و وانمود کردند که آن کودک در نتیجه عملیات نیروهای دفاعی کشور بر مخفی گاه‌های تروریستان در دند غوری کشته شده است. این در حالی است که حالا جعل و تزویر بی‌شماره‌شان برای حمایت از تروریسم و وحشی‌گری طالبان در بغلان افشا شده است و تصویر اصلی به‌دست آمده نشان می‌دهد که تیم لابی تروریستان با توسل به تقلب از «عکس کودک سوری» سوی استفاده کرده‌اند. این همه، حقانیت مبارزه برای سرکوب طالبان تروریست را نشان می‌دهد و درماندگی حامیان محلی تروریستان در دند غوری و ستون پنجمی‌های ارگ نشین در کابل را.

مورینیو تا پایان فصل به منچستر یونایتد نمی رود

خواهد داشت، اما حتی در صورت اخراج او نیز مورینیو در میانه فصل روی کار نخواهد آمد. اکسپرس می گوید مورینیو به علت وضعیت بد ترکیب منچستریونایتد و داشتن مصدومان پرتعداد و هم چنین وضعیت بد این تیم در جدول رده بندی رقابت های لیگ برتر انگلیس، قصد دارد در پایان فصل هدایت یونایتد را عهده دار شود. به نظر می رسد در صورت اخراج فان خال، گیگز برای دومین بار به طور موقت هدایت یونایتد را تا پایان فصل بر عهده بگیرد.

بسیاری از رسانه های دنیا کار انتقال مورینیو به منچستریونایتد را در پایان فصل تمام شده می دانند. شکست عجیب و غریب منچستریونایتد در خانه تیم گم نام میتیلند، باعث شد تا بار دیگر شایعه حضور ژوزه مورینیو به عنوان سرمربی یونایتد بر سر زبان ها بیفتد اما به نظر نمی رسد سرمربی مشهور پرتگالی برنامه ای برای هدایت یونایتد در فصل جاری داشته باشد. علی رغم این که اکسپرس ادعا کرده لوئیس فان خال، تنها سه بازی دیگر روی نیمکت مربی گری یونایتد فرصت

موراتا: لواندوفسکی بهترین مهاجم جهان است



آلوارو موراتا، مهاجم یوونتوس به تمجید از روبرت لواندوفسکی، مهاجم بایرن مونیخ پرداخت و گفت که او عضلاتی فوق العاده دارد.

ستاره لسهتانی در ۲۰ بازی برای تیمش در بوندس لیگا، ۲۱ گل به ثمر رسانده و از بهترین های فصل بوده است. تیم هایی نظیر رئال مادرید و پاری سن ژرمن نیز خواهان جذب او هستند و موراتا نیز به تمجید از عملکرد او در این فصل پرداخت.

او گفت: به نظر من لواندوفسکی بهترین مهاجم دنیاست. به خاطر دارم که با او پیراهن های مان را عوض کردیم، او عضلاتی استثنایی دارد. تماشای بازی او برای من آموزنده است.

موراتا درباره دیدار مقابل بایرن مونیخ گفت: بازی اول خیلی سخت خواهد بود. استادیوم ما برای آن ها مثل جهنم خواهد بود. ما سازمان یافته و مستحکم هستیم. در ۹ بازی اخیرمان فقط یک گل خورده ایم. تیمی بسیار قدرتمند که بازیکنان حاضرند برای هم تیمی های شان دوندگی بیشتری داشته باشند.

پیانچ: شکست ۲-۰ مقابل رئال، عادلانه نبود

میرالم بیانچ، هافبک رم عنوان کرد که قبول شکست ۰-۲ مقابل رئال مادرید برای آن ها بسیار سخت است و تیمش مستحق این نتیجه نبوده است.

رم و رئال مادرید چهارشنبه شب هفته گذشته به مصاف هم رفتند که رئال موفق شد با گل های رونالدو و خسه پیروز شود. با این حال، بیانچ عنوان کرد که تیمش مستحق شکست ۰-۲ نبوده است.

او به خبرنگاران گفت: قبول این نتیجه خیلی سخت است. رئال تیم خوبی است ولی آن ها کار ما را خیلی سخت نکردند. ما شایسته زدن حداقل یک گل بودیم.

نتیجه دروغ می گوید. ما می دانیم که مقابل یک تیم بزرگ بازی کردیم و مربی به ما هشدار داد که آن ها در ضد حمله قوی هستند، اتفاقی که در گول اول رخ داد. حالا باید روی سری A تمرکز کنیم و تمام تلاش مان را انجام دهیم. رم با شجاعت بازی کرد و در تمام طول بازی رئال را دچار واهمه کرد. ما شایسته حداقل زدن یک گل بودیم.

تیاگو: به دنبال گواردیولا به منچستر سیتی نمی روم!

تیاگو آلکانترآ شایعات رفتن به منچستر سیتی به دنبال پپ گواردیولا را رد کرده است.

پس از آن که حضور پپ گواردیولا در باشگاه منچستر سیتی برای فصل آینده رسمی شد شایعات زیادی مبنی بر حضور بازیکنان مختلف در لیست این مربی برای سیتی مطرح شد که تیاگو آلکانترآ یکی از این بازیکنان است.

تیاگو آلکانترآ در این باره اظهار داشت: همیشه شایعاتی وجود دارند، واقعیت این است که پپ گواردیولا تصمیم گرفته است تا به منچستر سیتی برود و باید به تصمیم وی احترام بگذاریم.

اما این یک دروغ است که من به دنبال او به منچستر سیتی خواهیم رفت!

من یک قرارداد جدید با باشگاه بایرن مونیخ تا سال ۲۰۱۹ امضا کرده ام، اگر من به دنبال جدایی بودم، قرارداد خود را با بایرن مونیخ تمدید نمی کردم، من زندگی در مونیخ را دوست دارم.

من از این شهر لذت می برم و به هیچ وجه نمی خواهم این منظره را تغییر دهم.

تمایل اسکولز به حضور در کادر فنی منچستر یونایتد

اش خود را آماده حضور در کادر فنی آینده منچستریونایتد کند.

اسکولز در حال حاضر به عنوان کارشناس برنامه های تلویزیونی در انگلیس فعالیت می کند. به اعتقاد بسیاری از رسانه های دنیا در فصل آینده ژوه مورینیو هدایت منچستریونایتد را عهده دار می شود. علاوه بر این مسئله احتمال می رود که لوئیس فان خال در صورت نتیجه نگرفتن در سه دیدار آتی یونایتد، جای خود را تا پایان فصل به رایان گیگز دهد.

هافبک میانی سابق منچستریونایتد در فکر این است تا بار دیگر به این تیم بازگردد.

تغییرات قریب الوقوع در کادر فنی منچستریونایتد باعث شده تا پل اسکولز، هافبک میانی سابق این تیم، به حضور در این باشگاه و پیوستن به کادر فنی یونایتد علاقه مند شود. MANCHESTER EVENING NEWS ضمن ادعای این مسئله بیان کرد که به احتمال فراوان اسکولز قصد دارد با کناره گیری از شغل فعلی

بندهای ضد بارسلونا

در قرارداد دی ماریا بایونایتد

برای انتقال دی ماریا ۷۵ میلیون یورو از یونایتد دریافت کرد و بندهای دیگری نیز باعث می شد که رقم بیشتری به رئال برسد. در حقیقت اگر یونایتد سهمیه اروپایی می گرفت، ۱ میلیون یورو، اگر دی ماریا در بین ۳ نامزد نهایی توپ طلا قرار می گرفت، ۵ میلیون و اگر برنده توپ طلا می شد، ۵ میلیون یورو باید به رئال پرداخت می شد. با این حال دی ماریا در تابستان با ۵۷ میلیون یورو، یونایتد را به مقصد پاری سن ژرمن ترک کرد.

سایت FOOTBALL LEAKS مدعی شد که رئال مادرید در قرارداد دی ماریا با یونایتد، چندین بند ضد بارسلونا قرار داده بوده است. در صورتی که یونایتد دی ماریا را به هر باشگاهی در لالیگا می فروخت، در صورتی که این انتقال در سال ۲۰۱۶ رخ می داد، ۴۰ میلیون یورو و اگر در سال ۲۰۱۷ رخ می داد، ۳۰ میلیون یورو به رئال مادرید می رسید. هم چنین اگر مقصد بارسلونا بود، این زمان تا پایان قرارداد دی ماریا یعنی ۲۰۱۹ ادامه می داشت. رئال

دورتموند توخل از تیم کلپ، تهاجمی تر است

خبرنگاران گفت: از زمان حضور توخل ما فوتبالی متفاوت ارائه می کنیم. سعی می کنیم تا بازی مالکانه ارائه دهیم و توپ را بیشتر درون میدان به گردش درآوریم که همین مسئله باعث ارائه فوتبالی تهاجمی می شود. سبک توخل به من اعتماد به نفسی دوباره بخشیده در حالی که تیم در زمان کلپ نوعی متفاوت از فوتبال را ارائه می داد که بیشتر مبتنی بر ضد حملات و فشار دادن سنگین بود.

هافبک ارمنستانی دورتموند به طور غیر مستقیم به انتقاد از یورگن کلپ سرمربی سابق این تیم پرداخت. هنریک میخیتاریان، هافبک تهاجمی دورتموند، از زمان حضور توماس توخل به عنوان سرمربی این تیم، اوج گیری دوباره ای داشته و توانسته نقشی کلیدی در ترکیب زردپوشان عهده دار شود. میخیتاریان باور دارد تفکرات توخل نقش مهمی در اوج گیری دوباره او داشته است. میخیتاریان به

خسه: زیدان اعتماد به نفس را به رئال برگردانده

نفسی دوباره گرفته اند. او کاملاً از تمامی بازیکنان حمایت می کند و این مساله فوق العاده مهم است. من زیدان را از دو سال پیش از نزدیک می شناختم و او در آن زمان نیز خیلی به من کمک می کرد. از این که او سرمربی رئال مادرید شده، بسیار خوشحال هستم. خسه چهارشنبه شب گذشته توانست اولین گل خود را در لیگ قهرمانان اروپا به ثمر برساند: همیشه علاقه مند بودم تا در لیگ قهرمانان اروپا گول زنی کنم و بسیار خوشحالم که توانستم اولین گل خود را در این رقابت ها به ثمر برسانم.

بال اسپانیایی رئال مادرید عملکردی درخشان در دیدار این تیم مقابل رم از خود ارائه کرد. خسه رودریگز، بازگشتی درخشان به ترکیب رئال مادرید داشت و توانست چند دقیقه پس از حضورش در زمین به عنوان یار تعویضی مقابل رم، گول دوم ارزشمند تیمش را وارد دروازه این تیم کند. خسه معتقد است که روی کار آمدن زیدان، اعتماد به نفسی دوباره به تیم بخشیده است. خسه به خبرنگاران گفت: بسیار خوشحالم که سرمربی توانسته اعتماد به نفسی دوباره به من ببخشد. نه تنها من، بلکه تمامی تیم به خوبی توسط سرمربی اعتماد به

آلبا: به حضور در سیتی فکر نمی کنم

بازگشت به میادین و حضور در ترکیب تیم بود بنابراین به آینده ام فکر نکردم. قراردادم تا سال ۲۰۱۸ اعتبار دارد و در حال حاضر روی عملکردم در زمین متمرکز هستم. آلبا درباره تمایل بایرن به تمدید قرارداد با او گفت: این برای من افتخار است و از این موضوع ممنونم و به آن افتخار می کنم.

دیوید آلبا، مدافع بایرن مونیخ عنوان کرد که با وجود شایعه حضورش در سیتی، قصد دارد در بایرن مونیخ بماند.

در حالی که پپ گواردیولا در پایان فصل هدایت سیتی را برعهده خواهد گرفت، شایعه حضور مدافع اتریشی در کنار گواردیولا در سیتی شنیده می شود. با این حال، او این موضوع را رد کرد و که قصد جدایی از بایرن را ندارد. او گفت: در زمستان، تمرکزم بر روی






شماره تماس: 0766 92 92 92 | ایمیل آدرس: info@marktravel.af

شرکت سیاحتی و تکت فروشی مارک

خدمات ما!

- خدمات تکت های داخلی و خارجی
- خدمات هتل در تمام نقاط جهان
- بیمه سفر، بیمه صحتی
- چارتر هلیکوپتر و سیات با هلیکوپتر
- سفر و سیاحت با موتر های مدل جدید
- بسته های تفریحی
- کشتی های سفری و سیاحتی
- خدمات ترانسپورت در داخل و خارج کشور
- خدمات ۲۴ ساعته

شنبه | ۱ حوت، ۱۳۹۴ | سال پنجم | شماره ۱۰۱۲

Saturday | 20 February 2016 | Year 05 | Vol 1012 web: www.etilaatroz.com

آن شده که می‌تواند بر مقاومت آن در هنگام زلزله و یا بارندگی طولانی تأثیر منفی بگذارد. سیگار افزوده که به صورت کلی این ساختمان خوب ساخته شده اما چندین مشکل ساختمانی دارد که باید مورد ارزیابی قرار بگیرد.

در گزارش تازه سیگار از مشکلاتی در بندکشی میان بخش‌های مختلف ساختمان که برای مقاومت در برابر زلزله لازم است، کم بودن تعداد آبراه‌ها برای تخلیه آب باران از بام این ساختمان و ارتفاع غیراستاندارد نرده‌های کنار پله‌های این ساختمان پنج طبقه به‌عنوان نواقص آن یاد شده است.

سیگار پس از ۶ بار بررسی ساختمان وزارت دفاع به این نتایج رسیده است.

ساختمان جدید وزارت دفاع به کمک مالی ایالات متحده امریکا ساخته شده و به تاریخ ۸ جدی امسال با حضور رییس جمهور، رییس اجراییه، جنرال جان کمپیل، رییس نیروهای ناتو در افغانستان و دیگر مقام‌های بلند پایه کشور افتتاح شد.

این ساختمان دارای پنج طبقه است که ظرفیت ۲۵۰۰ کارمند را دارد. سالن‌های غذاخوری و تالار کنفرانس این ساختمان به ترتیب گنجایش ۱۰۰۰ و بیش از ۹۰۰ نفر را دارد.

سیگار: ساختمان جدید وزارت دفاع سه برابر هزینهی بر آورد شده مصرف برداشته است



اطلاعات روز: اداره بازرسی امریکا برای افغانستان (سیگار) می‌گوید که ایالات متحده امریکا برای اعمار ساختمان وزارت دفاع افغانستان، ۴۸،۷ میلیون دالر هزینه در نظر گرفته بود، اما ساخت آن ۱۵۵ میلیون دالر هزینه برداشته است.

جان سپکو، بازرس ویژه امریکا گفته است که پول مصرف شده در ساختمان وزارت دفاع بیش از سه برابر هزینه‌ای است که امریکا برای اعمار آن در نظر گرفته بود. با این حساب در اعمار ساختمان جدید وزارت دفاع، ملقب به پنتاگون کوچک، ۱۰۶ میلیون دالر بیشتر نسبت به هزینه‌ای برآورد شده مصرف شده است. سیگار در گزارش تازه‌ی خود که روز پنج‌شنبه، ۲۹ دلو، به نشر رسیده هم‌چنان گفته است که قرار بود این ساختمان در ظرف ۱۸ ماه به بهره‌برداری برسد. اما ساخت آن به دلایل مختلف، پنج سال بیشتر از موعد تعیین شده وقت گرفته است.

در گزارش سیگار آمده است که این اداره در جریان بازرسی از این ساختمان، متوجه نواقصی در کار اعمار

مسؤلان دولتی و نهادهای جامعه مدنی، هماهنگی میان رسانه‌ها را از نیازهای اصلی خوانده و براساس فرمان اخیر رییس جمهور در مورد تأمین امنیت خبرنگاران و رسانه‌ها، اعلام کرده‌اند که برای همکاری با خبرنگاران و رسانه‌های پکتیا، آماده‌اند.

اسدالله شیرزاد، فرماند پولیس زون ۳۰۳ گفته است: «ما با نهادهای صنفی خبرنگاران در مورد ایجاد کمیته‌ای با هدف تأمین امنیت و مصونیت خبرنگاران و رسانه‌ها، کار خواهیم کرد.»

رییس اتحادیه ملی خبرنگاران افغانستان در پکتیا هم‌چنان گفته است که قرار است به‌زودی کمیته‌ی هماهنگی رسانه‌های چاپی نیز در این ولایت فعال شود.

رسانه‌ها و خبرنگاران در افغانستان با مشکلات متعدد، از تهدیدهای امنیتی گرفته تا عدم دسترسی به اطلاعات مواجه‌اند. نهادهایی نیز به حمایت از رسانه‌ها و خبرنگاران در کشور فعالیت دارند که اکثراً مشکلات فراه راه رسانه‌ها را با دولت درمیان می‌گذارند.

آغاز به کار کمیته هماهنگی رسانه‌های شنیداری در پکتیا



اطلاعات روز: کمیته هماهنگی رسانه‌های شنیداری روز پنج‌شنبه در ولایت پکتیا به کارش آغاز کرد. اتحادیه ملی خبرنگاران افغانستان با نشر خبرنامه‌ای گفته است که هشت رادیوی محلی عضو این کمیته است که به هدف هماهنگی‌های حرفه‌ای ایجاد شده و از حمایت این اتحادیه برخوردار است.

خبرنامه افزوده است که در نخستین نشست این کمیته در کنار گفت‌وگو روی هماهنگی رسانه‌های شنیداری در پکتیا، روی ایجاد کمیته‌ی هماهنگی رسانه‌ها و نهادهای دولتی در این ولایت بحث شد.

اصیل خاخی، رییس اتحادیه ملی خبرنگاران افغانستان در پکتیا گفته است: «ما از ادارات دولتی پکتیا خواستیم که برای تأمین امنیت و مصونیت خبرنگاران و رسانه‌ها در این ولایت، طرحی از سوی نمایندگان خبرنگاران و رسانه و ادارات دولتی ترتیب و عملی شود.»

است که این درگیری‌ها در اطراف روستای چکمه چقور ولسوالی قوش تپه رخ داده است.

در همین حال لطف الله عزیزی، والی جوزجان گفته است که نیروهای امنیتی از روستای چکمه چقور به طرف مرکز ولسوالی در حرکت بودند که در مسیر راه در چندین نقطه با ماین‌های جاسازی شده و کمین مخالفان مسلح برخورد نموده‌اند که یک تن از نیروهای امنیتی شهید و سه تن دیگر شان زخمی شده‌اند.

شهر جلال‌آباد، پنج نفر را به ظن ارتباط با مخالفان مسلح دولت همراه با پنج عدد بمب‌دستی بازداشت کرده‌اند.

از سویی هم، مقام‌های امنیتی در ولایت جوزجان گفته‌اند که در اثر درگیری میان نیروهای امنیتی و جنگ‌جویان طالب در ولسوالی قوش تپه این ولایت، ۲۱ طالب کشته، سه نفر دیگر زخمی و ۱۲ عراده موتورسایکل شان تخریب شده است.

محمدرضا رضایی، سخن‌گوی لوای اول ارتش در ولایت‌های فاریاب و جوزجان به خبرگزاری جمهور گفته

۲۱ جنگ‌جوی طالب در جوزجان و شش تن دیگر در ننگرهار کشته شدند

روز پنج‌شنبه در اثر حمله هواپیمای بی‌سرنشین خارجی در منطقه شیخه کندو ولسوالی هسکه مینه، شش مخالف مسلح که در یک موتر سوار بودند، کشته شده‌اند. آقای خوگیانی هم‌چنان گفته است که در یک رویداد دیگر مأموران فرماندهی پولیس ننگرهار در ناحیه چهارم

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت ننگرهار می‌گویند که در یک حمله هوایی نیروهای خارجی در ولسوالی هسکه مینه این ولایت شش مخالف مسلح کشته شده‌اند. عطاالله خوگیانی، سخن‌گوی والی ننگرهار گفته است،

افغانستان به بی‌بی‌سی گفته است که افراد گروه مسلح محلی عامل این رویداد هستند.

به دنبال ربه شدن این افراد، کمیته صلیب سرخ فعالیت خود را در ولایت ناام غزنی به حالت تعلیق درآورد. سخن‌گوی این کمیته گفته است تا زمانی که طرف‌های درگیر در این ولایت، امنیت کارمندان آنان را تضمین نکنند دوباره فعالیت خود را آغاز نخواهد کرد.

سه تن از این کارمندان در غزنی به خانواده‌های شان پیوسته‌اند و دو نفر دیگر از طریق تلفون با خانواده‌های شان صحبت کرده‌اند.

آقای ایاز توضیح نداده این کارمندان چگونه و تحت چه شرایطی آزاد شده‌اند. تاکنون معلوم نیست که کدام گروه، کارمندان این نهاد بین‌المللی بشردوستانه و امدادرسان را ربه بودند، اما سخن‌گوی کمیته صلیب سرخ بخش

پنج کارمند ربه شده صلیب سرخ در غزنی آزاد شدند

شده بودند، امروز آزاد شده‌اند. احمد رامین ایاز، سخن‌گوی این کمیته گفت است که این افراد صبح روز جمعه آزاد شدند. به گفته‌ی ایاز،

اطلاعات روز: مسؤلان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در افغانستان می‌گویند، پنج کارمند این نهاد که روز سه‌شنبه در مسیر ولایت غزنی از سوی افراد مسلح ربه شده